



دستورالعمل برای معلمان

وقت کتاب مقدس سطح ۱ و ۲

سری B

دروس ۱ - ۶

خدمات آموزشی کتاب مقدس

تحت شماره ۱۱۸۶۰۰۴ امور خیرخواهانه و نیکوکاری در بریتانیا ثبت گردیده است

هدف

تهیه دروس کتاب مقدس برای افرادی که حقیقت عیسی مسیح را به نسلهای بعدی جهان منتقل کنند.

چشم انداز

تا با توسعه و پشتیبانی از طریق شرکای متعهد در شبکه جهانی با درسهایی که به زبان خودشان آماده کرده ایم بتوانیم به نسل بعدی دسترسی داشته باشیم.

اطلاعات کلی

خدمات آموزشی کتاب مقدس چه می کند: -

خدمات آموزشی کتاب مقدس (خاک)، "وقت کتاب مقدس"، "زندگی تازه" و "خوشه چینان" را در قالب دروس کتاب مقدس تدوین و منتشر نموده و از مدارس پستی کتاب مقدس و نهادهای مشابه با دروس (خاک) در بریتانیا و خارج بواسطه ملاقات، شبکه سازی، مشاوره و آموزش حمایت و پشتیبانی بعمل می آورد. در حال حاضر (خاک) بواسطه همیاری با گروههایی در کشورهای دیگر که بواسطه ترجمه، طراحی، انتشارات و توزیع دروس دخیل هستند مشارکت دارد. دروس بایستی بطور رایگان در دسترس تمامی دانش آموزان قرار گیرد.

دروس وقت کتاب مقدس برای اولین بار در جنوب ایرلند و بیش از ۵۰ سال پیش مورد استفاده قرار گرفت. خدمات آموزشی کتاب مقدس مسئولیت سردبیری دروس وقت کتاب مقدس به زبان انگلیسی و همه زبانهای خارجی را بعهده دارد. دروس وقت کتاب مقدس معمولاً در قطع و سایز ۴A چاپ میشود که در برخی نواحی دانش آموزان را قادر می سازد تا هر چهار هفته دروس را برای تصحیح و نمره گذاری به مرکز مدرسه کتاب مقدس عودت دهند. با تشکر از EHC (جنبش احیا و بیداری) در بلغاست که اخیراً دروس رای برای شش ماه در سایز ۵A به چاپ رسانده اند که استفاده آن در کلیساها و مدارس بسیار آسانتر شده است مخصوصاً در جاهایی که سیستم پستی کارا و مفیدی وجود ندارد.

دروس خاک منحصر بفرد هستند بطوریکه برای مطالعه در خانه یا گروه (کلیسا / مدرسه) تدارک دیده شده در پی یک ریز دروس برنامه ریزی شده که به دانش آموزان اجازه می دهد که مطالعات خود را قریب به ۲۰ سال ادامه دهند. پنج سطح از دروس برابر گروههای سنی خاص موجود است از جمله پیش دبستانی، گروه سنی ۵ - ۷ سال، ۸ - ۱۰ سال، ۱۴ - ۱۶ سال. برای هر گروه سنی سه سال ریز دروس وجود دارد (صفحه ۴ را ببینید). گروههای سنی بر اساس تواناییها میتواند گوناگون باشد. مراجع درسی وقت کتاب مقدس به کودکان فرصتی داده تا کلام خدا را مطالعه کنند، داستانهای کتاب مقدس را یاد بگیرند و با چالشهایی در ارتباط با انجیل در زندگی خویش روبرو شوند.

دروس قابل چاپ به زبان انگلیسی در وبسایت com.besweb.www و یا از طریق منشی امور بین الملل در دسترس می باشد. دروس فوق همچنین در زبانهای دیگر از روی وبسایت موجود است. BES اسنادی دارد که برای شما مفید خواهد بود چنانچه بخواهید مشارکت با ما را در مد نظر قرار دهید که این اسناد نیز بر روی وبسایت قرار دارد.

مکاتبه و تماس با BES از طریق های زیر میسر است

UK (Northern Ireland) Office (stockist of all English lessons)
37a Belmore Street, Enniskillen, Northern Ireland BT74 6AA
Phone: 00 44 286 632 2462

UK Secretary

Mr Stephen Gillham

Email: stephen@sgillham.co.uk

Web address: www.besweb.com

Email address: info@besweb.com

دستورالعمل هایی برای معلمان

در اصل و در ابتدا دروس وقت کتاب مقدس تدوین گردید تا از طریق سیستم پستی با یک مرکز مدرسه کتاب مقدس مورد استفاده قرار گیرد ولی دروس بطور فزاینده در جاهایی که سیستم پستی قابل اعتماد نبوده و یا وجود نداشتند مخصوصاً در کلیساها و مدارس در آفریقا، هند و دیگر مکانها مورد استفاده قرار گرفته بود.

هر راهنمای آموزشی از همان مرجعی تبعیت میکرد که در دروس وقت کتاب مقدس بکار گرفته شده بود. دروس وقت کتاب مقدس و دستورالعمل ها طراحی شده اند تا بر اساس هفتگی مورد استفاده قرار گیرند. دروس آوریل بطور خاص به عید پاک مرتبط هستند و دروس دسامبر به کریسمس مرتبط می باشند.

دروس خاک منحصر بفرد هستند بطوریکه برای مطالعه در خانه یا گروه (کلیسا / مدرسه) تدارک دیده شده در پی یک ریز دروس برنامه ریزی شده که به دانش آموزان اجازه می دهد که مطالعات خود را قریب به ۲۰ سال ادامه دهند. پنج سطح از دروس برابر گروههای سنی خاص موجود است از جمله پیش دبستانی، گروه سنی ۵ - ۷ سال، ۸ - ۱۰ سال، ۱۴ - ۱۶ سال.

اگر بطور دلخواه کتابچه استفاده شود در پایان هر گزیده کتابچه ها جمع آوری و ارزشیابی می شود. ما متوجه شده ایم که در بسیاری از مواقع چنین شیوه ای غیر ممکن است. از این رو در کلاسهای درس این روش می تواند بین دانش آموزان توزیع شده و معلم و یا راهنما به تدریس می پردازند و دانش آموزان دروس دوستان خود را ارزشیابی و نمره گذاری می کنند. در آخر و پشت کتاب جایی برای نمره گذاری برای هر ماه درس تعبیه شده که میتواند جدا شده و با درج درصد نمره ای که دانش آموز برای دروس شش ماهه اخذ کرده به او ارائه شود.

آماده سازی و تدارک برای معلمان

ما نمیخواهیم شیوه تدریس را به شما تجویز کنیم و جایی برای معلمان نگذاریم تا نتوانند شیوه خود را با ایده ها و ابتکارات خود تطبیق دهند. این مطالب پیشنهاداتی هستند که میتوانند برای مرجع وقت کتاب مقدس مورد استفاده قرار گیرند:

- **با داستان خود را آشنا کنید** - معلمان باید تا جای ممکن خود را با داستان کتاب مقدس و همچنین با درس وقت کتاب مقدس که ضمیمه و همراه آن است آشنا کنند. بطور مطلوب، درس وقت کتاب مقدس می تواند توسط معلم قبل از درس تکمیل شود. راهنماها و دستورالعمل ها برای هر درس نیز باید بعنوان برنامه ریزی کمکی برای دروس بدقت مورد توجه و بررسی قرار گیرند.
- **دروس باید فهمیده شده تا فرا گرفته شوند** - در بالای هر برنامه درسی لغاتی را ملاحظه خواهید کرد "ما یاد می گیریم که"، ادامه خواهد یافت با دو هدف یاد بگیرید که امیدواریم کودکان پس از شنیدن به گفتار معلم آنرا فهمیده و درس وقت کتاب مقدس را تکمیل کنند. اولین هدف یاد بگیرید به دانش در باره داستان مربوط است در حالیکه دومین هدف تشویق کودکان به تفکر در باره دانش، بکار بردن آن و واکنش نشان دادن به آن است. این هدفهای فراگیری بیان دقیقی از مفاهیم / حقیقت اصلی است که در درس تعلیم داده شده و معلمان می توانند آنها را برای ارزیابی شخصی آموزش دادن و یاد بگیرید که رخ داده بکار گیرند.
- **معرفی کنید** - همه دروس را با تجربه ای که کودکان در موقعیت خود دارند، آغاز می کنیم. ما شیوه های گوناگونی را پیشنهاد کرده ایم که می تواند برای معرفی داستان استفاده شود تا بچه ها قادر به فعالیت درون گروهی شده و نکته آغازین داستان را مورد بحث و گفتگو قرار دهند
- **تعلیم بدهید** - نقاط کلیدی داستان داده شده است. امید داریم که مجبور نباشند تا به اینها اشاره کنند زمانیکه در واقع داستان را نقل می کنند بلکه با داستان آشنا شده و بتوانند آنرا به شیوه ای جالب و الهام گزیده تعلیم بدهند. معلم از دانش آموز انتظار خواهد داشت تا دروس اصلی را از داستان درک کرده و به آنان کمک کرده تا واکنش آنان را از فراگیری داستان بفهمد. بطور مقتضی تلاش کرده ایم تا برخی توضیحات را در داستان گویی با هم بیامیزیم. این مطالب همیشه بصورت **ایتالیک** آورده شده است.
- **فرا بگیرید** - در هریک از داستان ها آیه کلیدی ضمیمه شده است. در برخی مواقع دو آیه کلیدی آورده شده است، از اینرو آیه کلیدی دیگری اضافه شده است تا برای فراگیری کودکان آسان تر باشد. امیدواریم که کودکان بتوانند آیه های کلیدی را فرا گرفته و تا جای ممکن به آنان یادآوری شده تا اینکه شروع به ایجاد دانش آیات کلیدی کتاب مقدس بنمایند.
- **آنرا کامل کنید** - در وضعیت مدرسه از توانایی های کودکان برای تکمیل پرسشنامه و میزان پشتیبانی مورد نیاز معلم آگاه خواهید شد. برای برخی، الزامی خواهد بود که معلم از روی متن درس را بخواند در حالی که بچه ها آنرا همچون روایت که یک راوی نقل می کند دنبال کنند.

کودکان دیگر ممکن است قادر باشند تا متن را بطور مستقل بخوانند. در هر مورد، ایده ای می تواند توجه بچه ها را به آموزه ای خاص در ارتباط با سوالها جلب نماید. اگر شما درس وقت کتاب مقدس را در محیطی خارج از مدرسه بکار ببرید، اهمیت دارد تا با حضور خود کمک کنیم تا درس بعنوان کار سخت یا آزمون گمان نشود. شیوه تدریس باید لذت گزیده و ترغیب کننده و ستودنی باشد در حالیکه کار بر روی تکالیف مهم می باشد.

- **آنها بخاطر بسپارید** - چنین پیشنهاد کرده ایم تا هر قدر که ممکن باشد، آزمونهای کوچک یا کارهای کمکی به منظور فراگیری بعنوان ابزارهایی باشد که گویی داستان با آن بازنگری می شود.
- **آنها نشان بدهید** - از شما سپاسگزار خواهیم بود که در برخی موارد از ابزارهای رسانه ای تصویری استفاده شود گرچه بدست آوردن رسانه های تصویری مشکل است ولی هرجایی که ممکن است اهمیت دارد تا با تمرکز بر تصاویر یا اشیاء برای کمک به درک داستان استفاده شود. تصاویر کمک آموزشی برای نقل داستان ها کمک بزرگی می تواند باشد. هر کجا که مناسب و مقتضی باشد در هر درس در باره عکسها از طریق وبسایت زیر اطلاعاتی داده شده است که تصاویر قابل دانلود می باشد: www.freebibleimages.org

مرجع دیگری از موارد بصری از طریق زیر قابل دریافت می باشد: [Eikon Bible Art - info@eikonbibleart.com](mailto:info@eikonbibleart.com) ولی عکس ها باید خریداری شود. در جایی که ماشین فتوکپی موجود باشد بعضی از عکسهای وقت کتاب مقدس می تواند بزرگ شود، رنگی شود و برای آموزش مورد استفاده قرار گیرد.

آموزش آیه کلیدی

- ۱) آیه می تواند روی یک برگه نوشته شود یا بر روی تخته کلاس با لغات مختلف و بعد لغات آیه یک به یک پاک شود تا بچه ها با تکرار لغات تمام آیه را فرا بگیرند و دانش آموزان بتوانند بدون اینکه لغات روبروی آنان باشد آنها تکرار کنند.
- ۲) برای معرفی آیه کلیدی میتوانید از موارد زیر بهره گیری کنید:
 - الف - شیوه برنده بازنده - به تعداد حروف لغات خط فاصله کشیده شود و بچه ها حرفی را بگویند و اگر درست باشد روی خط فاصله بنویسند و اگر غلط باشد امتیاز منفی بگیرند و باید این کار تکرار شود تا گروهی بتواند آیه درست را حدس بزند. اگر تعداد منفی ها از دو برابر تعداد حروف بیشتر باشد آن گروه بازنده می شود.
 - ب - معلم اسم کتاب و شماره فصل و آیه را بگوید. بعد بچه ها در حالیکه کتاب مقدس بسته را در دست دارند آدرس آیه را تکرار کنند. بعد معلم بگوید حاضرید ... یک، دو، سه ... و هر کس که زودتر بتواند آیه را از کتاب مقدس پیدا کرده و نزد معلم بیاورد برنده است.

برنامه ریزی برای زمان

- **نظم و انتظام** - ما نظم مشابهی را در دستورالعملهای تعلیم هر درس حفظ کرده ایم ولی این بستگی به معلم دارد که آنها گاه و بیگاه تغییر بدهد.
 ۱. مقدمه و گفتن داستان - تقریباً ۱۵ دقیقه
 ۲. آموزش آیه کلیدی - ۵ - ۱۰ دقیقه
 ۳. کامل کردن برگه تکلیف - ۲۰ دقیقه
 ۴. آزمون کوتاه و فعالیتهای دیگر ۵ - ۱۰ دقیقه

این گفتار مهم را بخاطر بسپارید:

همین بگو و ممکن است فراموش کنم
همین نشان بده و آنها بیاد خواهم سپرد
مرا درگیر کار کن و من خواهم فهمید.

سر فصل دروس وقت کتاب مقدس

سطح ۴ (سنین ۱۴ به بالا)	سطح ۳ (سنین ۱۱-۱۳)	سطح ۰ (پیش دبستانی) سطح ۱ (سنین ۵-۷) سطح ۲ (سنین ۸-۱۰)	
۱- معرفی درس مبتدی ۲- U1 - انجیل لوقا ۳- U2 - انجیل لوقا ۴- U3 - انجیل لوقا	۱- معرفی درس مبتدی ۲- U1 - انجیل لوقا ۳- U2 - انجیل لوقا ۴- U3 - انجیل لوقا	۱- معرفی درس مبتدی ۲- U1 - انجیل لوقا ۳- U2 - انجیل لوقا ۴- U3 - انجیل لوقا	سری مبتدی
۱- آفرینش و سقوط ۲- رشد اولیه - پیدایش ۳- پطرس ۴- پطرس - صلیب ۵- پطرس ۶- ابراهیم ۷- یعقوب ۸- زندگی مسیحی ۹- پولس ۱۰- پولس ۱۱- پولس ۱۲- داستان کریسمس	۱- آفرینش ۲- نوح ۳- پطرس ۴- پطرس - صلیب ۵- پطرس ۶- ابراهیم ۷- یعقوب ۸- دعا ۹- پولس ۱۰- پولس ۱۱- پولس ۱۲- داستان کریسمس	۱- آفرینش ۲- نوح ۳- پطرس ۴- پطرس - صلیب ۵- ابراهیم ۶- ابراهیم ۷- پطرس ۸- پطرس ۹- یعقوب ۱۰- مسیحیان اولیه ۱۱- پولس ۱۲- داستان کریسمس	سری A
۱- تمثیل ها ۲- معجزات ۳- بیت عنیا ۴- صلیب ۵- مسیحیان اولیه ۶- یعقوب و خانواده اش ۷- یوسف ۸- اعمال رسولان ۲: ۴۲ - راه پیش رو ۹- موسی ۱۰- موسی ۱۱- شریعت ۱۲- داستان کریسمس	۱- تمثیل ها ۲- معجزات ۳- بیت عنیا ۴- صلیب ۵- مسیحیان اولیه ۶- یوسف ۷- یوسف ۸- نویسندگان انجیل ۹- موسی ۱۰- موسی ۱۱- موسی ۱۲- داستان کریسمس	۱- اوایل زندگی مسیح ۲- معجزات ۳- بیت عنیا ۴- صلیب ۵- تمثیل ها ۶- یوسف ۷- یوسف ۸- مردمی که عیسی ملاقات کرد ۹- موسی ۱۰- موسی ۱۱- موسی ۱۲- داستان کریسمس	سری B
۱- دانیال ۲- گفتار عیسی ۳- قدرت خدا ۴- مرگ مسیح ۵- روت ۶- سموئیل ۷- داود ۸- یوشع ۹- ایلیا (الیاس) ۱۰- الیشع ۱۱- شخصیت‌های بیشتر در عهد عتیق ۱۲- داستان کریسمس	۱- دانیال ۲- مردمی که عیسی ملاقات کرد ۳- معجزات بیشتر ۴- مرگ مسیح ۵- روت ۶- سموئیل ۷- داود ۸- یوشع ۹- ایلیا (الیاس) ۱۰- الیشع ۱۱- مردانی که خدا در عهد عتیق بکار گرفت ۱۲- داستان کریسمس	۱- دانیال ۲- معجزات بیشتر ۳- مردمی که عیسی ملاقات کرد ۴- مرگ مسیح ۵- روت و سموئیل ۶- داود ۷- داود ۸- یوشع ۹- ایلیا (الیاس) ۱۰- الیشع ۱۱- یونس ۱۲- داستان کریسمس	سری C

1B داستان ۱

مریم و یوسف در معبد - این داستان در باره «شکرگزاری» از خدا بخاطر پسر اوست.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسای کوچک به دنیا آمد تا کار رستگاری را برای خدا انجام دهد.• ما باید به خاطر اینکه خدا پسر خود را ارزانی کرد تا منجی ما بشود از او تشکر کنیم. <p>آیه کلیدی: لوقا ۲: ۳۰ کلام منتخب: لوقا ۲: ۲۲-۳۸</p>	
<p>در باره هدیه گرفتن صحبت کنید؛ احتمالاً یک یا دو هدیه که در کاغذ کادو پیچیده شده تا داده شود. در اینجا مدلی برای «از شما متشکرم» یا «خیلی ممنونم» را آماده کرده ایم. از بچه ها بخواهید اسم هدیه ای که واقعاً دوست دارند دریافت کنند را بگویند. بر اهمیت گفتن «متشکرم یا ممنونم» برای هر هدیه تاکید کنید، هر چقدر هم که هدیه کوچک باشد. در داستان امروز مردمی را ملاقات می کنیم که بخاطر بزرگترین هدیه شکرگزار خدا هستند، بخاطر عیسی مسیح.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• امروز برای مریم و یوسف روز مخصوصی بود. آنها عیسای کوچک را به معبد اورشلیم آورده بودند تا از خدا تشکر کنند. (لوقا ۲: ۲۲-۲۴).• در حالی که آنجا بودند، مردی کهن سال که نامش شمعون بود نزد آنها آمد. او در باره اینکه خدا برنامه ای دارد تا نجات دهنده را بفرستد آگاهی داشت. در واقع به او وعده شگفت انگیزی داده شده بود که او تا اینکه عیسی را با چشمان خود نبیند نخواهد مرد. روح القدس شمعون را هدایت کرد تا در آن روز مریم و یوسف را ملاقات کند! شمعون می دانست که او طفل کوچک چه تغییر بزرگی را در تمامی جهان انجام خواهد داد. او می دانست که عیسی هدیه ارزشمند و عزیزی است. احساس شمعون را در هنگامی که طفل را در آغوش گرفت و از خدا تشکر کرد را در این آیه ببینید: (لوقا ۲: ۲۵-۳۵).• یک زن سال خورده که نامش حنا بود مریم و یوسف را با عیسای کوچک دید. او هم بخاطر عیسی از خدا تشکر کرد. پس از آن او با همه در باره عیسی صحبت کرد. [در نسخه هایی از کتاب مقدس فارسی، بجای حنا از آنا استفاده شده است] (لوقا ۲: ۳۶-۳۸) ما نیز مانند حنا باید خبر خوش در باره عیسی را با همه در میان بگذاریم! <p>چه تعدادی از مردم در معبد «شکرگزاری» کردند؟ می دانیم که چهار نفر بودند (آنها را نام ببرید) ولی احتمالاً تعداد آنها بیشتر بود!</p> <p>خیلی مهم خواهد بود که از خدا بخاطر عیسی مسیح تشکر کنیم و سپاسگزار باشیم. در طی دوران زندگی شمعون او همیشه چشم انتظار روزی بود که عیسی دنیا می آید. می می توانیم به گذشته نگاه کنیم و برای به دنیا آمدن عیسی شکرگزار باشیم و بخاطر واقعیتی که او با مرگ خود بخاطر گناهان ما بر روی صلیب، منجی ما شد. بچه ها را تشویق کنید تا ارزش هدیه شگفت انگیز خدا را در مقایسه با هدیه های مادی مقایسه و تشخیص بدهند و از هر یک از آن ها بخواهید تا بطور شخصی خدا را برای عیسی مسیح و برای تمامی کارهایی که برای ما کرده است شکر و سپاس بگویند.</p> <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید. فایض بدهید: از وبسایت زیر فایض بدهید: شمعون و حنا عیسی را می بینند. www.freebibleimages.org</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی لوقا ۲: ۳۰ را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح بدهید. شرح بدهید که این کلام بخشی از دعای «تشرکرامیز» شمعون بود. نجات و رستگاری چیزی است که عیسی در هنگامی که گناهان ما را بر می دارد، به ما ارزانی می کند.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را بعنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• معبد در کدام شهر بود؟• چرا مریم و یوسف به همراه عیسی در آنجا بودند؟• مرد کهن سالی که نزد آنها آمد که بود؟• چه وعده ای به شمعون داده شده بود؟• زن سال خورده ای که بخاطر عیسی از خدا تشکر کرد چه نام داشت؟• حنا پس از اینکه عیسای کوچک را دید چه کرد؟• ما از حنا و شمعون چه درسی یاد می گیریم؟• در کدام کتاب از کتاب مقدس در باره شمعون و حنا می خوانیم؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

1B داستان ۲

بزرگ شدن در شهر ناصره - این داستان در باره پسر بچه ای است که در شهر ناصره بزرگ می شود.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی نشان داد که پسر خداست.• مهم است تا از الگوی فرمانبری عیسی تبعیت کنیم. <p>آیه کلیدی: لوقا ۲: ۴۰ کلام منتخب: لوقا ۲: ۳۹-۵۲</p>	
<p>در باره گم شدن و جدا شدن از والدین حرف بزنید. چگونه و کجا اتفاق افتاد؟ در باره احساس والدین در بحث خود تمرکز کنید.</p> <p>یا</p> <p>اگر مرتبط باشد، در باره تجربه مسافرت و دور شدن از خانه و همه هیجاناتی که داشت صحبت کنید. توضیح بدهید که در داستان امروز، مریم و یوسف عیسی را برای رویدادی مخصوص با خود به سفر بردند.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• عیسی به همراه والدین خود برای برگزاری عید پَسَح به اورشلیم رفته بود. (برای بچه های بزرگتر که از کتاب مقدس آگاهی دارند، به معنی و مفهوم این عید اشاره کنید). به بچه ها در باره فاصله (۱۱۲ کیلومتری از ناصره تا اورشلیم) و مقایسه آن با شهرهای اطراف محل سکونت خود بگوئید و توضیح بدهید که آنان چگونه با پای پیاده سفر می کردند. در باره اینکه این سفر چقدر برای عیسی که ۱۲ سال سن داشت هیجان انگیز بود - جمعیت، دوستانش، ساختمان ها و امتیاز در معبد بودن، جایی که معلمان در باره پدرش خدا صحبت می کردند. (لوقا ۲: ۴۲)• پس از اینکه مریم و یوسف یک روز را به سمت خانه طی کردند، متوجه شدند که عیسی گم شده است! از آیه فوق احساس آنان را درک کنید و تصور کنید که آنان چگونه در میان جمعیت بدنال او گشتند و تصمیم گرفتند تا دوباره به اورشلیم بازگردند (لوقا ۲: ۴۳-۴۵)• پس از سه روز عیسی را یافتند که در میان معلمان نشسته است. حس آسودگی آنان را شرح بدهید و آن را با معرفی داستان مرتبط سازید. وقتی که او گوش می داد و سوال می پرسید، معلمان حیرت می کردند که او چگونه اینقدر در باره خدا می داند. مریم و یوسف و متعجب شدند! گفتگوی بین مریم و عیسی را نقل کنید و شرح بدهید که او که هنوز پسر بچه ای بود، در خانه پدر (معبد) مشغول انجام کار او بود. مریم و یوسف به سختی می توانستند حرف های عیسی را درک کنند. (لوقا ۲: ۴۶-۵۰)• پس از این، عیسی به همراه مریم و یوسف به ناصره بازگشت. او به هر طریق فرمانبردار آنان بود و آنان و همچنین خدای پدر را خشنود می ساخت. کتاب مقدس به ما می گوید که باید از والدین خود حرف شنوی داشته باشیم (افسیسیان ۶: ۱). با انجام آنچه که به ما گفته شده است، ما از الگوی عیسی پیروی می کنیم. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نمایش بدهید: عیسی، پسر بچه ای ۱۲ ساله در اورشلیم.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی لوقا ۲: ۴۰ را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح بدهید.</p> <p>عیسی با شیوه متفاوتی بزرگ شد، به آن اشاره و توضیح دهید. ما نیز به این شیوه ها می توانیم بزرگ شویم - بیش از همه خدا از ما می خواهد با مردمی که خدا را دوست داشته و او را خدمت می کنند بزرگ شویم.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>از عبارات درست/غلط در امتحان کوچک استفاده کنید.</p> <ul style="list-style-type: none">• عید پَسَح در اورشلیم برگزار می شد.• عیسی در این داستان ۱۰ ساله بود.• مریم و یوسف پس از یک روز عیسی را پیدا کردند.• عیسی در خانه یکی از خویشاوندان بود.• مریم به عیسی گفت که آنها نگران بودند.• عیسی مشغول کار پدر بود.• خدا پدر عیسی است. <p>عیسی به اورشلیم بازگشت و از مریم و یوسف فرمانبرداری کرد.</p>	<p>بخاطر بسپارید</p>

1B داستان ۳

تعمید در رود اردن - این داستان در باره تعمید یافتن عیسی توسط یحیی بود.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none"> • زندگی عیسی معصومانه و عاری از گناه بود و همیشه پدر خود را خشنود می ساخت. • ما گناهکاریم و باید از گناهان خود توبه کنیم. <p>آیه کلیدی: لوقا ۳: ۲۲ کلام منتخب: لوقا ۳: ۲۲-۱</p>	
<p>درباره مردم صحبت کنید که جمع می شوند - مثل دیدار یک مقام کشوری، یک رئیس جمهور، یک نخست وزیر، کسی که در بازار محصولی می فروشد، یک سرگرم کننده خیابانی. هر کسی می خواهد ببیند که چه اتفاقی دارد می افتد یا بشنود که او چه می گوید. به همین طور نیز وقتی که یحیی در کنار رود اردن شروع به موعظه کرد مردم جمع شدند. مردم جمع شدند تا بشنوند که این مرد با شکل و شمایل عجیب و غریب که در بیان زندگی می کند چه می گوید. (متی ۳: ۴)</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none"> • یحیی یک نبی یا پیغمبر بود. یعنی اینکه یحیی پیامی مهم از سوی خدا داشت. او به مردم گفت که آنان گناهکارند و باید بخاطر کارهای اشتباه خود متاسف بوده و از آنها دست بردارند. بعد آنها با فرو رفتن در رود اردن تعمید گرفتند. این نشان می دهد که آنان واقعاً می خواستند راه خود را تغییر بدهند. (لوقا ۳: ۲ و ۳ و ۷). اگر بچه ها مراسم تعمید را دیده اند، این داستان را با تجربه آنان مرتبط کنید. توضیح بدهید که همه ما باید متاسف باشیم و از اشتباهاتی که کرده ایم (توبه کنیم). • مردم همچنان مطمئن نبودند که یحیی چه کسی است. آیا او می توانست آن فردی باشد که وعده داده بود تا بفرستد؟ یحیی توضیح می دهد که فرد قدرتمند دیگری می آید. (لوقا ۳: ۲۱ و ۲۲) او چه کسی می تواند باشد؟ • آنگاه یک روز عیسی مسیح به مردم دیگر ملحق شد و تعمید گرفت. عیسی قبل از تعمید چه کاری را لازم نبود تا انجام دهد؟ این واقعیت را توضیح بدهید که عیسی از هر کس دیگری متفاوت بود چرا که او معصوم بود و نیاز به توبه نداشت. ولی عیسی می خواست نشان بدهد که مانند ما یک انسان است، و آنچه را که خدا خواسته انجام می دهد. پس از تعمید عیسی، چیز شگفت انگیزی اتفاق افتاد. خدا از آسمان سخن گفت، که می گفت او از پسر خود خشنود است و روح القدس مانند کبوتری بر او نازل شد. (لوقا ۳: ۲۱ و ۲۲). چرا خدا از عیسی خیلی خشنود بود؟ • ما می توانیم خدا را مانند آنچه که عیسی انجام داد خشنود کنیم. ولی خدا خشنود می شود وقتی که واقعاً از گناهان خود متاسف باشیم (توبه کنیم) و زندگی برای او را انتخاب کنیم. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید. نمایش بدهید: یحیی عیسی را تعمید می دهد.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی لوقا ۳: ۲۲ را در جایی که لازم است توضیح داده و تعلیم بدهید. سوال های ساده ای بپرسید تا بررسی کنید که بچه ها مفهوم را درک کرده باشند.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را بعنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none"> • یحیی در کجا موعظه می کرد؟ • یحیی پیام خود را از چه کسی دریافت کرد؟ • یحیی به مردم گفت «توبه کنید». یعنی چه؟ • پس از اینکه مردم توبه کردند، یحیی چه کرد؟ • یحیی در باره فردی که بعد از او می آید چه گفت؟ • عیسی از یحیی خواست تا چه کاری انجام دهد؟ • تعمید عیسی چگونه با تعمید دیگران متفاوت بود؟ • ما به چه روشی می توانیم خدا را خشنود کنیم؟ 	<p>بخاطر بسپارید</p>

1B داستان ۴

وسوسه در بیابان - این داستان گفتن «نه» به کار اشتباه است.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی مسیح هرگز گناه نکرد.• وقتی که وسوسه می شویم او می تواند به ما کمک کند. <p>آیه کلیدی: لوقا ۴: ۸ کلام منتخب: لوقا ۴: ۱-۱۳</p>	
<p>مثالی را با بچه ها در میان بگذارید در خصوص وضعیتی که چطور ممکن است در دام وسوسه بیفتند. (نمونه را در ابتدای درس سطح ۲ ببینید) در این باره حرف بزنید که چگونه می توانند در سطح عملی از وسوسه پرهیز کنند. امروز می توانیم بیاموزیم که زمانی که عیسی مسیح وسوسه شد چه کرد.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• پس از تعمید عیسی، روح القدس او را به بیابان هدایت کرد. بحث کنید که ۴۰ روز در بیابان بودن چگونه می تواند باشد - هوای گرم، خشک، تنها ... مقایسه های معنی دار بیابید تا به بچه ها کمک کند تا بفهمند که ۴۰ روز یعنی چه. (لوقا ۴: ۱).• عیسی هیچ چیزی نخورده بود بنابراین او خیلی گرسنه بود! او بیش از هر چیزی غذا می خواست. پیشنهادی را که شیطان به عیسی داد نقل قول کنید. برای بدست آوردن نان، این چه راه ساده ای بود! ولی عیسی با استفاده از کلام خدا پاسخ داد که وسوسه شیطان اشتباه است. (لوقا ۴: ۳-۴).• شیطان دوباره نزد عیسی آمد و او را به مرتفع ترین کوه برد تا بتواند تمامی سلطنت های دنیا را ببیند. او گفت که اگر عیسی او را پرستش کند، همه اینها متعلق به او خواهد شد. عیسی پاسخ داد، «مکتوب است: تنها خداوند خدای خویش را عبادت نما». برای بار دوم عیسی از کلام کتاب مقدس استفاده کرد تا بگوید که ایده شیطان چقدر خطا است. (لوقا ۴: ۵-۸).• سرانجام شیطان او را به رفیع ترین قسمت معبد در اورشلیم برد. او گفت که اگر او پسر خداست می تواند خود را به زمین پرتاب کند بدون اینکه صدمه ای ببیند. او می خواست عیسی را وسوسه کند تا قدرت خود را نشان دهد. ولی عیسی می دانست که این نیز خطاست و دوباره از کلام خدا استفاده کرد. در آن موقع، شیطان عیسی را به حال خود رها کرد. (لوقا ۴: ۹-۱۳) فکر می کنید که چرا شیطان او را ترک کرد؟ آیا او به نتیجه خود دست یافت؟ عیسی چگونه بر وسوسه پیروز شد؟• نتیجه گیری کنید که عیسی هرگز گناه نکرد. او از شیطان قوی تر است. او از کلام خدا استفاده کرد تا به شیطان نشان دهد که او از پدرش خدا اطاعت می کند. اگر به عیسی مسیح تعلق داشته باشیم، آنگاه او به ما کمک خواهد کرد تا به کار غلط «نه» بگوئیم. اگر کلام خدا را مانند عیسی بلد باشیم، می توانیم از آن استفاده کنیم تا به ما قدرت بخشد تا برای کار درست آن را به کار گیریم. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید. نمایش بدهید: عیسی در بیابان وسوسه می شود.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی لوقا ۴: ۸ را در جایی که لازم است توضیح داده و آنرا تعلیم بدهید. بررسی کنید که بچه ها محتوا و مفهوم این آیه را بخاطر بسپارند. چه کسی آن را گفت؟ به چه کسی گفته شد؟ چرا عیسی این کلام خاص را بکار برد؟</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>در عوض امتحان، مفید خواهد بود تا افکار را روی هم ریخته و از آنچه که بچه ها در 1B در باره عیسی مسیح آموخته اند صحبت کنند. معلم می تواند ایده ها را (در عبارت های کوتاه یا لغت های مشروح) بر روی تخته یا هر چیزی که بچه ها همگی بتوانند ببینند بنویسد. بچه های بزرگ تر می توانند در گروه های کوچک کار کنند و بعد نتیجه کار خود را به معلم گزارش دهند.</p>	<p>بخاطر بسپارید</p>

2B داستان ۱

عیسی آب را به آب انگور تبدیل می کند - این داستان در باره عیسی در یک جشن عروسی است.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی اولین معجزه خود را انجام داد زیرا که او پسر خداست.• ما باید مانند خدمتکاران در داستان از او فرمانبرداری کنیم. <p>آیه کلیدی: یوحنا ۲: ۵</p> <p>کلام منتخب: یوحنا ۲: ۱-۱۱</p>	
<p>در باره مراسم ازدواج در فرهنگ خودتان صحبت کنید. بگذارید تا بچه ها تجربیات خود را به مشارکت بگذارند. چند عکس اگر موجود دارید آماده کنید. اگر مراسم عروسی طبق برنامه پیش نرود چه؟ یک یا دو مثال بگوئید. در درس امروز عیسی مسیح، حواریون او و مادرش مریم در مکانی که قانا نامیده می شد در یک جشن عروسی بودند. (یوحنا ۲: ۱-۲) بیابید ببینیم که چه اتفاقی افتاد.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• صحنه را شرح بدهید - عروس و داماد خندان، مهمانان، می گویند و می خندند، نوشیدنی و غذاهای خوشمزه، همه از عروسی لذت می برند. ولی مریم فهمید که مشکلی پیش آمده است - آب انگور تمام شده بود! عروس و داماد چه حالی پیدا کردند؟ مریم می دانست که چکار کند. مستقیم به سوی عیسی رفت. توضیح بدهید که عیسی بهترین فردی است تا مشکل را پیش او ببریم. ما می توانیم نزد او دعا کنیم. آنگاه او به خدمتکاران رو کرده و گفت، «هر آنچه که می گوید انجام دهید». مریم می دانست که عیسی می توانست کمک کند. او کاملاً به عیسی اعتماد داشت. (یوحنا ۲: ۳-۴).• توضیح بدهید که در آن اتاق شش خمره بزرگ سنگی بود که تقریباً یک متر ارتفاع داشتند و در آن آب نگهداری می شد که برای درست کردن غذا و شستن از آن استفاده می شد. عیسی به خدمتکاران گفت تا آن خمره ها را پر از آب کنند و گفت که کمی از آن را نزد مردی که صاحب مراسم عروسی بود ببرند. متذکر شوید که در واقع این کار کمی عجیب بود... آیا این مطمئناً آب بود؟ ولی آنان اطاعت کردند و در تحیر آنان، در خمره ها دیگر آب نبود. این آب انگور بود! در واقع همه آنها به اتفاق نظر گفتند که این بهترین آب انگور بوده، خیلی بهتر از آنچه که قبلاً نوشیده بودند. (یوحنا ۲: ۶-۱۰) عیسی مسیح همیشه بهترین چیزها را ارائه می دهد!• توضیح بدهید که این یک معجزه بود. هیچ کس دیگری نمی توانست کاری را انجام دهد که عیسی انجام داد. او چنین کرد بخاطر اینکه او پسر خداست، خالق و آفریننده همه چیز.• این خیلی مهم بود که خدمتکاران از عیسی حرف شنوی کردند. از بچه ها بپرسید که اگر آنها از عیسی اطاعت نمی کردند چه می شد. در باره مشکلی که داریم بگوئید - گناهانمان. عیسی مسیح راه حلی را برای مشکل ما دارد زیرا او برای ما بر روی صلیب مرد تا مجازات گناهان ما را بر دارد. ولی این تنها وقتی است که ما به او اعتماد می کنیم که او می تواند معجزه ای در زندگی ما انجام دهد و گناه ما را بپامرد. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نمایش بدهید: عیسی در جشن عروسی</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی یوحنا ۲: ۵ را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح دهید. یک پیش زمینه از داستان ارائه کنید. بررسی کنید که آیا بچه ها می دانند که «او» کیست.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را بعنوان مرور درس از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• جشن عروسی در کجا بود؟• نام تعدادی از مهمانان را در عروسی بگوئید.• چه کسی به خدمتکاران گفت تا به حرف عیسی گوش کنند؟• چه تعداد خمره آب در آنجا بود؟• وقتی که خدمتکاران خمره ها را پر کردند چه چیزی در خمره ها بود؟• همه در باره چه چیزی اتفاق نظر داشتند؟• چرا عیسی این معجزه را انجام داد؟• مشکل زندگی ما چیست؟• ما از خدمتکاران چه می آموزیم؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

2B داستان ۲

عیسی پسر بیمار را شفا می دهد - این داستان در باره قدرت عیسی است.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none"> • عیسی قدرت شفا داشت زیرا پسر خدا بود. • عیسی از ما می خواهد تا به او اعتماد کنیم، همانطور که آن مقام حکومتی انجام داد. <p>آیه کلیدی: یوحنا ۴: ۵۰ کلام منتخب: یوحنا ۴: ۴۶-۵۴</p>	
<p>درس هفته گذشته را مرور کنید. در جشن عروسی چه اتفاقی افتاد؟ در کجا اتفاق افتاد؟ در باره پخش خبر معجزه در قانا و اطراف گفتگو کنید.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none"> • چند وقت بعد عیسی مسیح بع قانا بازگشت. در شهری در آن نزدیکی به نام کفرناحوم، مردی صاحب مقام (از کارکنان دربار حکومتی) شنید که عیسی در قانا است. او با خود گفت یککاش عیسی بتواند به من کمک کند! پسر او خیلی مریض احوال بود. آن مقام حکومتی اندیشید که اگر عیسی به خانه او بیاید، پسر او حالش خوب خواهد شد. (یوحنا ۴: ۴۷) برای بچه های سطح ۲ نقشه دو شهر را نشان بدهید. • آن مقام حکومتی حدود ۳۲ کیلومتر سفر کرد تا عیسی را پیدا کند. احساس او را تصور کنید - خسته، بیمناک، عاجز و درمانده ... او به عیسی التماس کرد تا با او برود. وقتی که او در باره پسرش گفت، عیسی بطور ساده به او گفت که به خانه بازگردد و پسرش خوب خواهد شد. عیسی قرار نبود تا با او برود! بازتاب دهید که او چگونه عکس العمل نشان داده و بعد شرح بدهید که او به حرف عیسی اعتماد کرده بود. او چنان به عیسی اعتماد داشت که می دانست که عیسی نیازی نیست تا برای ۳۲ کیلومتر بیاید و پسر او را شفا دهد. (یوحنا ۴: ۴۷-۵۰) توضیح بدهید که عیسی این نوع اعتماد را از ما می خواهد. ما نمی توانیم او را ببینیم و حرف های او را با صدای بلند بشنویم ولی او با کلام خود وعده داده که او ما را دوست دارد و می خواهد تا ما را بیمارزد. • در حالی که او همچنان در سفر به سوی خانه خود بود، خدمتکار او خبر خوشی برای او آورد. از بچه ها بخواهید که آن خبر را پیش بینی کنند. بلی! حال پسر او خوب شده بود ... و وقتی که او پرسید چه ساعتی این اتفاق افتاد، کاشف به عمل آورد که دقیقاً همان زمانی بوده است که عیسی به او گفته بود که حال پسرش خوب خواهد شد. چقدر خانواده او خوشحال شده بودند! همه آنان مطمئن بودند که عیسی در واقع همان کسی بود که او ادعا کرده بود - پسر خدا. (یوحنا ۴: ۵۱-۵۳) • ما هم لازم است تا باور کنیم که عیسی پسر خداست. او از ما می خواهد که اعتماد خود را به او نشان دهیم. آنگاه ما نیز به راستی خوشحال خواهیم بود. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی یوحنا ۴: ۴۰ را در جایی که لازم است تعلیم داده و شرح بدهید. توضیح داده و تاکید کنید که حرف کسی را قبول داشتن به چه معنایی است.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>از بچه ها سوالات زیر را به عنوان مرور درس پرسید.</p> <ul style="list-style-type: none"> • مشکل مقام حکومتی چه بود؟ • او عیسی را در کجا پیدا کرد؟ • او چند کیلومتر باید مسافت می کرد؟ • عیسی به او گفت که چه باید انجام دهد؟ • چه کسی او را در مسیر بازگشت به خانه دید؟ • چه خبری آورده شد؟ • آن پسر چه زمانی خوب شد؟ • جای خالی را پر کنید. آن مرد کاملاً به گفته عیسی کرد. (یوحنا ۴: ۵۰) 	<p>بخطر بسپارید</p>

2B داستان ۳

عیسی و بارتیمائوس - این داستان در باره شفای مرد نابینایی بود که بعداً از پیروان عیسی شد.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی مسیح می خواست تا به بارتیمائوس کمک کند و قدرت داشت تا زندگی او را تغییر بدهد.• عیسی می خواهد تا با برداشتن گناه از ما، زندگی ما را تغییر بدهد. <p>آیه کلیدی: مرقس ۱۰: ۵۲ کلام منتخب: مرقس ۱۰: ۴۶-۵۲</p>	
<p>در باره هدیه بزرگ بینایی صحبت کنید - قادر بودن به دیدن رنگ ها، لذت بردن از مکان ها، تشخیص دادن مردم، خواندن کتاب ها، بازی با اسباب بازی ها، تماشای تلویزیون، و غیره. با حساسیت گفتگو کنید که نابینا بودن در اجتماعی که زندگی می کنید چگونه است. توضیح بدهید که در زمان عیسی، زندگی برای فرد نابینا خیلی مشکل بوده است.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• بارتیمائوس مرد نابینایی بود که در ازیحا زندگی می کرد. برای او، هر روز مثل هم بود که در کنار او می نشست و گدائی می کرد تا زنده بماند. ولی امروز با روزهای قبل فرق داشت. سر و صدا و شلوغی را شرح بدهید و اینکه بارتیمائوس فهمید که عیسی دارد می آید. ناگهان بارتیمائوس خیلی به وجد آمد! او در باره کارهایی که عیسی انجام داده بود شنید. فکر می کنید که عیسی از او می خواست تا برای او چه کاری انجام دهد؟ بارتیمائوس با تمام قوت عیسی را صدا می زد و از او خواست تا کمکش کند. بعضی از مردم از او عصبانی شدند و به او گفتند تا ساکت باشد ولی او بلندتر فریاد می کشید! (مرقس ۱۰: ۴۶-۴۸) شرح بدهید که بارتیمائوس داشت کار درستی می کرد بخاطر اینکه عیسی تنها کسی بود که می توانست به او بینایی بدهد. عیسی مسیح تنها کسی است که می تواند گناهان ما را ببخشد. همانطور که بارتیمائوس به عیسی نیاز داشت، هر یک از ما نیز نیاز داریم تا با او روبرو شویم.• در آن موقعیت عیسی توقف کرد و از فردی خواست تا بارتیمائوس را نزد او بیاورند. شرح بدهید که او چگونه واکنش نشان داد. اکنون احساس بارتیمائوس چه بود؟ عیسی از او پرسید که چه می خواهد و او جواب داد که می خواهد بینا بشود. عیسی به او گفت که می تواند برود و ایمان او شفافش داده است. در آن لحظه، بارتیمائوس توانست ببیند! از بچه ها بخواهید که بگویند که او چه چیزهایی در اطراف خود می توانسته ببیند. احساس او را شرح بدهید و واکنش او در دنباله روی از عیسی در امتداد راه را بگوئید. (مرقس ۱۰: ۴۹-۵۲)• بارتیمائوس هرگز آن روزی را که عیسی را ملاقات کرد فراموش نکرد. عیسی برای او معجزه ای کرده بود و زندگی اش سراسر متحول شده بود! توضیح بدهید که عیسی حتی می خواهد معجزه بزرگتری برای ما انجام بدهد با تغییر زندگی ما در باطن و برداشتن گناهان ما. وقتی که نزد او بیایم و به او اعتماد کنیم مانند بارتیمائوس به شادی خواهیم رسید. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نمایش بدهید: عیسی مردی نابینا را شفا می دهد.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی مرقس ۱۰: ۵۲ را در جایی که لازم است تعلیم داده و شرح بدهید. توضیح بدهید که ایمان بارتیمائوس اعتماد او به عیسی مسیح بود. او می دانست که عیسی قدرت داشت تا به او بینایی بدهد. عیسی می خواهد تا به او اطمینان داشته باشیم.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>از عبارت درست یا غلط برای یک آزمون کوچک استفاده کنید.</p> <ul style="list-style-type: none">• بارتیمائوس در قانا بود.• او نابینا بود.• او نمی توانست حرف بزند.• جمعیت زیادی برای دیدن عیسی آمده بودند.• بارتیمائوس وقتی که مردم از او خواستند، ساکت شد.• عیسی وانمود کرد که صدای او را نمی شنود.• بارتیمائوس بلند شد و به سوی عیسی رفت.• جمعیت جلوی او را گرفتند تا نتواند بسوی عیسی برود.• بارتیمائوس بعد از اینکه عیسی را ملاقات کرد به گدائی ادامه داد.• عیسی مسیح می تواند برای هر یک از ما معجزه ای انجام دهد.	<p>بخاطر بسپارید</p>

2B داستان ۴

عیسی مرد جذامی را شفا می دهد - این داستان در باره «تشکر کردن از عیسی» است.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• مردان جذامی از عیسی اطاعت کرده و شفا یافتند.• عیسی مسیح از ما می خواهد بخاطر کارهای خوبی که برای ما می کند از او تشکر کنیم. <p>آیه کلیدی: مزامیر ۱۰۷: ۲۱ کلام منتخب: لوقا ۱۷: ۱۱-۱۹</p>	
<p>در باره سپاسگزاری صحبت کنید. از بچه ها بخواهید تا به چیزهایی فکر کنند که هر روزه می توانند سپاسگزار آن باشند (مثال: غذا، آب، خانه، سلامتی، خانواده، مدرسه) و آن ها را بصورت فهرست وار بنویسید. توضیح بدهید که خدا ارزانی کننده همه چیزهای خوب است که ما از آن ها بهره می بریم و با شکرگزاری شروع به دعا کنید، و کسانی را که کم اقبال تر هستند را بیاد بیاورید.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• داستان امروز در باره ده مردی بود که زندگی سختی داشتند. توضیح بدهید که چگونه جذام بر زندگی آنان تاثیر گذاشته بود - مقدمه و معرفی را در وقت کتاب مقدس سطح ۱ یا ۲ ببینید.• یک روز، به هر حال، واقعه ای هیجان انگیز اتفاق افتاد. عیسی در منطقه ای بود که آنان زندگی می کردند. گرچه آنان اجازه نداشتند که نزدیک کسی بوشند، آنان می توانستند او را از فاصله ای دور ببینند و می دانستند مه عیسی می تواند به آنان کمک کند. آنان همگی با هم با تمام قوت او را صدا زدند، «عیسی، ای خداوند به ما رحم کن». (لوقا ۱۷: ۱۱-۱۳).• عیسی صدای آنان را شنید و به آنان گفت بروید و خودتان را به کاهن نشان دهید. همگی فهمیدند که عیسی برای بهتر شدن به آنان کمک خواهد نمود و با اطاعت از او همگی عازم شدند. و وقتی که در راه بودند ناگهان جذام آنان ناپدید شد! عیسی آنان را شفا داده بود. آنان چه احساس کردند؟ (لوقا ۱۷: ۱۴). آنان با اطاعت از عیسی کار درستی کردند. ما هم باید از اعتماد نموده و از او اطاعت کنیم اگر می خواهیم تمامی برکات و خیریات او را داشته باشیم.• آن ده مرد همگی از تغییر شکفت انگیزی که برایشان اتفاق افتاده بود حیرت کردند ولی تنها یکی از آنان به سرعت بازگشت تا از او «تشکر» کند. وقتی که او خدا را برای آنچه که به وقوع پیوسته حمد و سپاس گفت، به سرعت بازگشت و عیسی را یافت و خود را به پاهای او انداخت. توضیح بدهید که این مرد سامری از دیگران متفاوت بود و از اهالی منطقه عیسی و سایرین نبود. عیسی بطور خاصی خشنود گردید بخاطر اینکه این مرد بسیار سپاسگزار بود و او را ستود برای اینکه ایمان خود را با اطاعت از او نشان داده است. فکر می کنید که عیسی در باره نفر دیگر چه فکری کرد؟ (لوقا ۱۷: ۱۵-۱۹). فکر می کنید که شادترین فرد در آن روز چه کسی بود؟• ما هم باید از خدا سپاسگزار باشیم (به بچه ها یادآوری کنید از چیزهایی که در لیست خود دارند) و همچنین از عیسی مسیح که زندگی خود را بخشید تا گناهان ما آمرزیده شود. بچه ها را تشویق کنید تا از الگوی خوب آن مرد در داستان پیروی کنند. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید. نمایش بدهید: عیسی ده مرد جذامی را شفا می دهد.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی مزامیر ۱۰۷: ۲۱ را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح بدهید. هر کلمه ای را که ممکن است نا آشنا باشد توضیح بدهید.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>بجای آزمون کوچک، بچه ها می توانند با بچه های دیگر با تصویر سادی، با موضوع تشکر کردن بخاطر چیزی یک کلاژ درست کنند. بچه های دیگر هم می توانند جمله «خدایا از تو متشکریم» را رنگ آمیزی کنند تا آن را در وسط تصاویر قرار دهند.</p> <p>گروه کوچکتر از بچه های کوچکتر می توانند ۱۰ نقاشی بکشند که هر یک از نقاشی ها معرف یک جذامی باشد.</p>	<p>بخاطر بسپارید</p>

3B داستان ۱

آموختن از عیسی - این داستان در باره وقت گذاشتن برای آموختن از عیسی است.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• گوش دادن به عیسی و آموختن از او خیلی مهم است.• لازم است تا از طریق خواندن کتاب مقدس به عیسی گوش دهیم. <p>آیه کلیدی: لوقا ۱۰: ۴۲ کلام منتخب: لوقا ۱۰: ۳۸-۴۲</p>	
<p>یک از موارد زیر را انتخاب کنید:</p> <ul style="list-style-type: none">• در باره آمدن یک مهمان صحبت کنید و اینکه مادران برای مهمان تدارک می بیند - درست کردن غذا و غیره.• در باره موقعیت هایی صحبت کنید که مرتبط با بچه ها می باشد - جایی که شنیدن خیلی مهم است - فراگیری مهارت جدید، ارشاد و راهنمایی• در یک گروه کوچک می توانید «طمطمه چینی» بازی کنید. رهبر گروه پیامی را به اولین فرد می گوید که او هم به گوش نفر بعدی زمزمه می کند و همین طور به بعد. فرد نهایی آنچه را که شنیده اند تکرار می کند. بازی، اهمیت خوب شنیدن را برجسته می کند. آنرا به داستان امروز مرتبط کنید که در باره کسی است که زمان می گذارد تا به دقت گوش دهد.	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• مارتا و مریم دوستان خوب عیسی بودند. یک روز مارتا عیسی و حواریون او را برای غذا دعوت کرد. از بچه ها بخواهید تا در باره تدارکاتی فکر کنند که او ممکن است آماده ساخته باشد. رسیدن مهمانان را تصور کنید. (لوقا ۱۰: ۳۸)• مارتا همچنان باید کارهای زیادی انجام می داد! در حالی که او در حال درست کردن غذا بود، خواهرش مریم در پیش پای عیسی نشسته بود و به حرف های او گوش می داد و از او یاد می گرفت. توضیح بدهید که مارتا چه احساسی می کرد ... شاید بچه ها هم بتوانند احساس او را حدس بزنند! حرف هایی را که مریم گفت دقیقاً بگوئید. (لوقا ۱۰: ۳۹-۴۰).• عیسی با مهربانی با مارتا صحبت کرد و گفت که او نباید ایراد بگیرد و ناراحت بشود. توضیح بدهید که مارتا داشت برای عیسی کار خوبی می کرد تا برای او غذای دلپذیری درست کند ولی غذا خیلی مهم نبود. چه کسی داشت کار بهتری انجام می داد؟ بله مریم داشت کار بهتری می کرد که به حرف ها و تعلیمات عیسی گوش می داد. عیسی گفت که مریم تصمیم گرفته تا کار بهتری انجام دهد و نباید او را سرزنش کرد. (لوقا ۱۰: ۴۱-۴۲)• مریم کدام کار بهتر را انتخاب کرده بود؟ مریم امتیاز بسیار ویژه ای یافته بود تا بتواند به عیسی گوش کند. در این باره صحبت کنید که ما باید وقت بگذاریم تا به عیسی از طریق خواندن و یادگیری کتاب مقدس گوش فرا دهیم. آنگاه او را بهتر خواهیم شناخت و خواهیم دانست که چه چیزی او را خشنود می کند. از گروه مسن تر می توانید بخواهید تا در این باره گفتگو شود که چطور می توان این کار را انجام داد. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی لوقا ۱۰: ۴۲ را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح بدهید. اهمیت انتخاب مریم را تصریح کنید.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را بعنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• آن دو خواهر در کجا زندگی می کردند؟• چرا مارتا ناراحت شد؟• مهمانان چه کسانی بودند؟• مارتا برای شکایت از خواهر خود پیش چه کسی رفت؟• کدام خواهر به پای صحبت عیسی نشست؟• ما باید از الگوی کدام خواهر پیروی کنیم؟• کدام خواهر می خواست تا از عیسی پذیرایی کند؟• چگونه می توانیم به عیسی گوش کنیم؟• کدام خواهر ناراحت شد؟• در کدام کتاب از کتاب مقدس می توان این داستان را یافت؟	<p>بخطرات بسپارید</p>

3B داستان ۲

زندگی و حیات از طریق عیسی - این داستان درباره زنده کردن یک مرد توسط عیسی است.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی قدرت داشت تا ایلعاذر را به زندگی برگرداند.• عیسی مسیح می تواند به ما حیات جاودان ببخشد اگر به او اعتماد کنیم. <p>آیه کلیدی: یوحنا ۱۱: ۲۵ کلام منتخب: یوحنا ۱۱: ۷-۱۰ و ۱۷-۴۴</p>	
<p>برای سطح ۱، گفتگو کنید که خدا چگونه خانواده را تشکیل می دهد. در باره برادرها و خواهر ها گفتگو کنید. چرا برادر و خواهر داشتن خوب است؟ از بچه ها بپرسید که نام دو خواهر در داستان هفته قبل چه بود و ایلعاذر را معرفی کنید.</p> <p>برای سطح ۲، در این باره گفتگو کنید که در زندگی ما همیشه برنامه ها طبق خواست ما به پیش نمی رود - یک دفعه چیزهای غیر قابل انتظاری اتفاق می افتد که از کنترل ما خارج است. در این باره گفتگو کنید که چطور عیسی مسیح در هر وضعیتی زندگی ما را تحت کنترل دارد و برای خیریت ما به بهترین نحو عمل می کند. در داستان امروز مریم و مارتا با مشکل پیچیده ای مواجه می شوند.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<p>ایلعاذر برادر مریم و مارتا به سختی بیمار بود. آنها می خواستند که عیسی پیش آنها بیاید و از این رو به دنبال او فرستادند. آنان می دانستند که او می تواند حال ایلعاذر را خوب کند. ولی عیسی تصمیم گرفت که نرود! آنان چه حس و حالی پیدا کردند؟ توضیح بدهید که اگرچه مریم و مارتا فهمیدن این موضوع را مشکل یافتند، لیکن عیسی مسیح اوضاع را در کنترل خود داشت و می دانست که چه چیزی بهتر است. (یوحنا ۱۱: ۶-۹)</p> <p>طولی نکشید که ایلعاذر مرد و او را در کفن پیچیده و در غاری گذاشتند و سنگ بزرگی را بر در غار نهادند. ما این را مقبره می گوئیم. با حساسیت بیابید که مارتا و مریم الان چه حالی داشتند. چهار روز بعد، مارتا شنید که عیسی دارد می آید و بیرون رفت تا او را ببیند. عیسی توضیح داد که ایلعاذر دوباره به زندگی بازخواهد گشت. کلامی را که عیسی در (آیه ۲۵) استفاده کرد بکار ببرید و توضیح بدهید که رستاخیز یا قیام از مرگ یعنی قدرتی که می تواند مرده را به زندگی بازگرداند. هیچ کس چنین قدرتی ندارد! (یوحنا ۱۱: ۱۷-۲۷)</p> <p>بعد عیسی با مریم و مارتا به مقبره ایلعاذر رفت. عیسی بخاطر اندوه گریست. بعد از مردم خواست تا سنگ درب غار را کنار بزنند. با صدای بلند فریاد زد «ایلعاذر بیرون بیا!». مردم در حیرت و شگفتی دیدند که ایلعاذر از مقبره بیرون آمد، که همچنان در کفن پیچیده شده بود! در همان روز عیسی ثابت کرد که قدرت دارد تا مرده را زنده کند! معجزه عیسی به آنان کمک کرد تا بدانند که او چقدر قدرتمند و فرد خاصی می باشد. در باره این واقعه و درس هایی که به آنان داد حرف بزنید - زمان سنجی و موقعیت زمانی که او برای این معجزه در نظر گرفته بود، همدردی با آنان در غم و اندوه، قدرت او، سلطه و اقتدار او می توانید اشاره کنید که عیسی با دیر آمدن خود هدفی داشت و می خواست ثابت کند که زندگی پس از مرگ وجود دارد.</p> <p>عیسی مسیح می تواند با بزرگترین دشمن ما که مرگ است مقابله کند. او قدرت دارد تا آن را شکست بدهد، همانطور که زندگی را دوباره به ایلعاذر بازگرداند و او را قیام داد. وقتی که به عیسی مسیح اعتماد کنیم او به ما زندگی جاودان عطا خواهد نمود.</p> <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید. نشان بدهید: ایلعاذر از مرگ قیام می کند.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی یوحنا ۱۱: ۲۵ در در جایی که لازم است تعلیم داده و آنرا توضیح بدهید. توضیح بدهید که عیسی واقعیتی مهم را در باره خودش می گوید وقتی که از نام خود استفاده می کند. بچه هایی که دانش بیشتری از کتاب مقدس دارند می توانند «من هستم» را بخاطر بیاورند.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را بعنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• چه کسی به سختی بیمار بود؟• چقدر طول کشید تا عیسی بیاید؟-کدام خواهر بیرون رفت تا عیسی را ببیند؟• عیسی از چه نامی برای خود استفاده کرد وقتی که با مارتا صحبت کرد؟• عیسی احساس خود را در کنار مقبره ایلعاذر چگونه نشان داد؟• عیسی چه کلماتی را بکار برد؟• در آن روز عیسی چه چیزی را ثابت کرد؟• ما چطور می توانیم زندگی جاودان داشته باشیم؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

3B داستان ۳

دوست داشتن عیسی - این داستان درباره: مریم محبت خود را به عیسی نشان می دهد

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• مریم با کاری که انجام داد محبت خود را به عیسی نشان داد.• ما باید در عوض محبتی که عیسی به ما نشان داده او را دوست بداریم. <p>آیه کلیدی: اول یوحنا ۴: ۱۹ کلام منتخب: یوحنا ۱۲: ۱-۱۱</p>	
<p>در باره «هدایای تشکر و قدردانی» حرف بزنید، چنانچه مقدور است چند هدیه که در فرهنگتان مرسوم است را تهیه کنید و تعیین کنید که این هدایا برای چه کسانی مناسب است.</p> <p>به بچه های در باره داستان هفته گذشته یادآوری کنید و اینکه چقدر مریم و مارتا و ایلعاذر نسبت به عیسی قدردان بودند.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• مریم و مارتا و ایلعاذر تصمیم گرفتند تا به احترام عیسی ضیافتی ترتیب دهند. صحنه را تصور کنید - خانه از مهمانان پر بود، ایلعاذر خوب و سلامت بنظر می رسید، عیسی مهم ترین مهمان بود، مارتا پذیرایی می کرد (یوحنا ۱۲: ۱-۲)• در طی این مهمانی، مریم در کنار عیسی نشست، و شیشه عطری گران بها در دست داشت. بلادرنگ آن عطریات را بر پاهای عیسی ریخت و با موهای خود آنرا شست. شرح بدهید که مریم چگونه مرکز توجه مهمانان دیگر شد وقتی که دیگران برگشته و دیدند که چه اتفاقی می افتد و بوی قوی عطر توجه آنان را جلب کرد. توضیح بدهید که مریم به این خاطر این کار را کرد که عیسی را خیلی دوست داشت - برای مریم او بیش از هر چیز دیگری ارزشمند بود. (یوحنا ۱۲: ۳)• یهویدا که یکی از حواریون عیسی بود، نمی توانست درک کند که چرا مریم این عطر را روی پاهای عیسی ریخت. برای او این کار مثل هدر دادن چیزی بود. جملات یهویدا را نقل قول کنید و توضیح بدهید که یهویدا یک فرد طمع کار و دزد بود (درس سطح ۲) (یوحنا ۱۲: ۴-۶).• یوحنا و مریم رفتار متفاوتی را به عیسی مسیح نشان دادند. یهویدا عظمت عیسی را درک نکرده بود و در دل خود محبتی برای او نداشت. هر چند، برای مریم، عیسی عزیز و ارزشمند بود و او را خیلی دوست می داشت. عیسی بخاطر کاری که او انجام داد خشنود بود. (یوحنا ۱۲: ۷-۸) کدامین الگو را باید پیروی کنیم؟• وقتی که فکر می کنیم که چقدر عیسی مسیح ما را دوست دارد و زندگی خود را برای ما ارزانی نموده، او باید برای ما ارزشمند و عزیز باشد. ما می توانیم او را دوست داشته باشیم، در عوض محبتی که برای ما مبذول داشته است. برای نمونه، به او اعتماد داشته باشیم، با دعا و خواندن کلام او برایش وقت بگذاریم، از او اطاعت کنیم، دیگران را دوست بداریم و به آنان در باره عیسی بگوئیم. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید. نمایش بدهید: عیسی تدهین می شود.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی (اول یوحنا ۴: ۱۹) را در جایی که لازم است توضیح داده و تعلیم بدهید. اطمینان حاصل کنید که بچه ها درک کنند که «او» و «او را» به چه کسی اشاره می کند. توضیح بدهید که محبت ما در نتیجه محبتی است که او نسبت به ما دارد.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را بعنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• مهمانی و ضیافت در کجا بود؟• مهم ترین فرد در آن ضیافت چه کسی بود؟• مریم چه کاری انجام داد؟• چرا مریم چنین کرد؟• یهویدا در باره ریختن عطر بر روی پاهای عیسی به مریم چه گفت؟• چرا باید عیسی مسیح را دوست بداریم؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

3B داستان ۴

عیسی پطرس را نجات می دهد - این داستان در باره دعای کوتاه پطرس می باشد.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی خیلی ارجمند است - او پادشاه پادشاهان است.• ما باید عیسی مسیح را در زندگی خود عزیز و گرامی بداریم. <p>آیه کلیدی: یوحنا ۱: ۱۲ کلام منتخب: لوقا ۱۹: ۲۸-۴۴</p>	
<p>در این باره حرف بزنید که چقدر اهمیت دارد تا از مهمانان استقبال و خوش آمد گوئی کنیم. برای نمونه، مقامات، روسا، قهرمانان ورزشی، بازدیدکنندگان از مدرسه. اگر موجود است تعدادی عکس آماده کنید. فرض کنید که بخشی از جمعیت بودن به چه شکلی است. توضیح بدهید که در این رویداد عیسی مسیح مهمان ویژه ای بود. او برای آخرین بار وارد شهر اورشلیم می شد بخاطر اینکه بزودی باید برنامه خدا را اجرا نموده و برای گناهان ما می مرد. خدا از مردم می خواهد تا بدانند که عیسی چقدر گرانقدر است. کتاب مقدس او را «پادشاه پادشاهان و سرور سروران» می خواند. خدا برنامه ریزی کرده بود که عیسی در این روز مهم چگونه وارد اورشلیم بشود تا مردم بتوانند متوجه او بشوند.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• وقتی که عیسی و حواریون وی به نزدیکی اورشلیم رسیدند، او از دو نفر از آنان خواست تا به دهکده ای بروند که در آنجا الاغی بسته شده بود. او دستور داده بود تا آن الاغ را برای او بیاورند و هر کس که بپرسد چکار می کنند، بگویند که «خداوند آن را لازم دارد» (لوقا ۱۹: ۲۸-۳۱)• تصور کنید که حواریون چگونه الاغ را یافتند و آن را برای عیسی آوردند. وقتی برای اولین بار فردی بر روی کرده الاغی بنشیند چگونه واکنش نشان می دهد؟ حواریون جامه هایی را بعنوان پالان برای روی پشت آن گذاشتند و الاغ اجازه داد تا عیسی بر پشت او بنشیند. معمولاً چنین چیزی امکان پذیر نیست ولی عیسی بر همه مخلوقات قدرت دارد. (لوقا ۱۹: ۳۲-۳۵)• وقتی عیسی در مسیر راه شروع به سواری کرد، جمعیت جامه های خود را بعنوان فرش در راه می گذاشتند. حال جمعیت می دانست که او چه کسی است - پادشاهی ویژه که خدا فرستاده است. توضیح بدهید که یک پادشاه معمولاً وقتی که به جنگ می رود بر سوار اسب می نشیند، ولی وقتی عیسی بر روی الاغ سواری می کرد، نشان می داد که آرامش و صلح آورده است. مردم غرق در شادی و هیجان بودند و با شکرگزاری فریاد می زدند «مبارک باد او که به نام خداوند می آید». (لوقا ۱۹: ۳۶-۳۸)• اشاره کنید که در آن نزدیکی کسانی هم بودند که عیسی را دوست نداشتند و از اینکه جمعیت از او استقبال می کند خشمگین بودند. (لوقا ۱۹: ۳۹-۴۰). عیسی مسیح می دانست که این مردان به زودی به راه افتاده و او را خواهند کشت.• به بچه ها بگوئید که ما تصمیم مهمی باید در باره عیسی مسیح بگیریم. ما می توانیم با انتخاب خود او را به زندگی خود خوش آمد بگوئیم و یا نه بگوئیم و جایی به او ندهیم. خدا از ما می خواهد تا پسر او را به زندگی خود دعوت کنیم. وقتی که چنین کنیم بخشی از خانواده خدا خواهیم شد. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی یوحنا ۱: ۱۲ را در جایی که لازم است توضیح داده و تعلیم دهید. توضیح بدهید خیلی از لغات به معنی خوش آمد گوئی هستند. و اطمینان حاصل کنید که ضمائر «او» و «او را» به خوبی درک شده اند.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>از درست یا غلط برای یک آزمون کوتاه استفاده کنید.</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی و حواریونش وارد اورشلیم می شدند.• عیسی سه نفر از حواریون خود را بخ دهکده فرستاد.• آنها بر روی الاغ سوار شدند.• وقتی که عیسی می خواست روی الاغ بنشیند، حیوان مشکلی پیش نیاورد.• مردم روی زمین فرش پهن می کردند.• همه به عیسی خوش آمد گفتند.• عیسی پادشاه پادشاهان است و باید از او استقبال شود.• وقتی که عیسی را به زندگی خود با استقبال می پذیریم، بخشی از خانواده خدا می شویم.	<p>بخاطر بسپارید</p>

4B داستان ۱

عیسی می میرد - این داستان در باره مردن عیسی بخاطر ماست.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• با عیسی مسیح بدرفتاری شد و او شایسته مرگ نبود.• عیسی مرد تا ما را از گناه نجات دهد. <p>آیه کلیدی: لوقا ۲۳: ۳۳</p> <p>کلام منتخب: لوقا ۲۳: ۱-۲۶ و ۳۲-۴۳</p>	
<p>تعدادی کارت آماده کنید و روی آن ها بنویسید: توسط دوستی تحقیر شد، به غلط متهم شد، استهزاء گردید، با او بی ادبانه و وحشیانه رفتار شد. نمونه های این چنینی از زندگی هر روزه ارائه کنید، یا در گروه کوچکتی، بچه ها می توانند در باره تجربه های خود صحبت کنند و اینکه چه حسی وجود خواهد داشت وقتی با ما این چنین رفتار شود. ما می خواهیم که چنین چیزی متوقف شود! توضیح بدهید که عیسی مسیح می دانست که بدرفتاری چگونه است. مردم اینگونه و بدتر با او رفتار کردند. امروز خواهیم یافت که چرا او اینگونه عذاب کشید.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<p>(اگر در مدرسه تعلیم می دهید خطوط افقی بر روی کاغذ سودمند خواهد بود تا ترتیب اتفاقات بر آن نوشته شود. عنوان ها را بر روی کارت بنویسید مانند شام مخصوص، دعا در باغ، دستگیری توسط دشمنان، بازپرسی توسط پیلطس، جمعیت خشمگین، بردن برای مصلوب کردن، سه صلیب، یک دزد آرمزیده شده که بچه را قادر خواهد نمود تا ترتیب و توالی و جزئیات را به خاطر بسپارند).</p> <ul style="list-style-type: none">• تعدادی سوال پرسید تا ورود به اورشلیم را یادآوری کند. چند روز بعد عیسی شام مخصوصی را با حواریون خود خورد، آخرین شام قبل از اینکه بمیرد. بعد او برای دعا به باغی رفت. صحنه را بچینید - تاریکی، سکوت، بعد صدای قدم ها و شرکت یهودا در دستگیری عیسی. اندوهی را که عیسی باید احساس کرده باشد را بیان کنید.• روز بعد، عیسی نزد پیلطس حاکم برده شد. (لوقا ۲۳: ۱-۴ و ۲۰-۲۵) مقام و اقتدار او را توضیح بدهید و بر این واقعیت تمرکز کنید که او نتوانست هیچ خطایی از زندگی عیسی بیابد. عیسی مسیح فردی معصوم و بی عیب بود. در پایان پیلطس آنچه را که جمعیت می خواستند انجام داد و عیسی به مرگ محکوم شد. برای ما به نظر بی انصافی بود ولی این کار بخشی از برنامه خدا برای نجات ما بود!• عیسی به بیرون از اورشلیم برده شد. مردی بنام شمعون را مجبور کردند تا صلیب سنگین چوبی را حمل کند. (لوقا ۲۳: ۲۶) وقتی که به بالای تپه رسیدند، سربازان عیسی را بر روی صلیب میخکوب کردند. دو دزد نیز در همان محل و زمان به مرگ محکوم شده بودند، که در دو طرف عیسی مصلوب شدند. وقتی که عیسی بر روی صلیب آویزان شد، سربازان او را استهزا نمودند و حتی یکی از سربازان بی ادبانه گفتگو کرد. یکی از دزدان می دانست که عیسی مانند آنان نیست. او می دانست که بخاطر کار خطایی که انجام داده می میرد ولی عیسی هیچ کار خطایی انجام نداده بود. او تشخیص داد که عیسی کیست و از عیسی خواست تا او را بیاد آورد. عیسی به او وعده داد که با او در بهشت خواهد بود (لوقا ۲۳: ۳۲-۴۳)• توضیح بدهید که مانند دزد ما باید درک کنیم که عیسی شایسته مرگ نبود. در عوض او عذاب کشید و مرد تا محبت عظیم خدا را به ما نشان بدهد و برای گناهان ما مجازات شود. اگر از او بخواهیم تا ما را بیامزد، ما نیز می توانیم مطمئن باشیم که روزی در بهشت خواهیم بود. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نمایش بدهید: استفاده از فیلم برای این گروه سنی مناسب نیست - پیشنهاد می کنیم که از نقاشی استفاده کنید - عیسی مصلوب می شود و می میرد.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی (یوحنا ۱۵: ۱۴) را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح بدهید. به بچه ها کمک کنید تا درک کنند که دوست عیسی به شمار رفتن امتیاز محسوب می شد.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>عنوان ها را با هم مخلوط کنید و اجازه بدهید که بچه ها ترتیب و توالی صحیح آنرا درست کنند. اگر با گروه کوچکی از بچه ها کار می کنید، می توانید یک کپی دیگر هم داشته باشید تا هر گروهی که زودتر کارت ها را ردیف کرد به عنوان برنده انتخاب شود.</p>	<p>بخاطر بسپارید</p>

4B داستان ۲

عیسی می میرد و دفن می شود - این داستان در باره مرگ و تدفین عیسی مسیح می باشد.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• مرگ عیسی خیلی متفاوت بود زیرا او مجازات گناهان ما را بر خود گرفت.• ما باید بخاطر محبت عظیمی که نسبت به ما داشت از او تشکر کنیم. <p>آیه کلیدی: اول قرنتیان ۱۵: ۳ و ۴ کلام منتخب: لوقا ۲۳: ۴۴-۵۶</p>	
<p>در باره روز و شب صحبت کنید که چگونه پشت سر هم ادامه می یابند. ما انتظار داریم که شب در برخی زمان های بیاید! این شیوه ای است که خدا خلق کرده است. ولی روزی که عیسی مرد متفاوت بود. بطور ناگهانی و بدون هشدار، در نیمروز ساعت ۱۲، خورشید از تابیدن باز ایستاد و مثل شب شد. این حالت برای سه ساعت ادامه یافت. (لوقا ۲۳: ۴۴ و ۴۵) چرا خدا اجازه داد تا چنین چیزی اتفاق بیفتد؟</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• کتاب مقدس به ما می گوید که پس از مرگ عیسی بر روی صلیب همه جا برای سه ساعت تاریک شد و مرگ او مجازات گناهان بشریت بود. از بچه ها بخواهید تا عذاب و رنج مسیح را در داستان هفته قبل بیاد بیاورند. توضیح بدهید که ما ممکن است کمی در باره رنج و عذاب درک کنیم ولی نمی توانیم مجازات بخاطر گناهانمان را درک کنیم. عیسی داوطلبانه رنج ما را بر دوش کشید بخاطر اینکه ما را دوست داشت و می خواست تا برنامه خدا را برای رستگاری ما کامل کند.• در نهایت عیسی دعا کرده و روح خود را تسلیم خدا نمود. (لوقا ۲۳: ۴۶) این شیوه عیسی بود که بگوید که او کار پدر خود را که او را فرستاده بود به اتمام رسانیده است. به رضایتی اشاره کنید که در انجام یک کار ساده وجود دارد، با علم به اینکه کار بیشتری برای انجام شدن نیاز نیست - برای مثال: ساختن یک الگو. عیسی هر کاری را که نیاز بود تا گناهان ما آمرزیده شود انجام داده بود. از بچه ها بخواهید تا بگویند که عیسی در عوض آنان چه کاری انجام داده بود.• آنگاه عیسی مرد. بیابید که دوستان او چه احساسی داشتند. یک دوست مهربان بنام یوسف نزد پیلطس رفت و از او خواست تا پیکر عیسی را با خود ببرد. او با دقت پیکر عیسی را از صلیب پائین آورد و او را در پارچه ای کتان پیچید و در مقبره تازه ای قرار داد. توضیح بدهید که مقبره مانند غاری کوچک بود. آنگاه او سنگ بزرگی را بر درب ورودی مقبره قرار داد. (لوقا ۲۳: ۵۰-۵۳) <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نمایش بدهید: استفاده از فیلم برای این گروه سنی مناسب نیست - پیشنهاد می کنیم که از نقاشی استفاده کنید - عیسی مصلوب می شود و می میرد.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی اول قرنتیان ۱۵: ۳ و ۴ را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح بدهید. بچه های کوچک تر می توانند اولین جمله را بگویند. اطمینان حاصل کنید که آیه را بدانند و توضیح بدهید که همه آنچه که برای عیسی مسیح اتفاق افتاد صدها سال پیش تر در عهد قدیم نوشته شده بود.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>عبارت درست و غلط را در آزمون کوتاه بکار ببرد.</p> <ul style="list-style-type: none">• تاریکی در نیمه روز اتفاق افتاد.• تاریکی به مدت چهار ساعت ادامه یافت.• در مدت تاریکی بود که عیسی مجازات گناهان ما را بر خود گرفت.• عیسی قبل از مرگ با پدر خود صحبت کرد.• دوستان عیسی تمامی چیزهایی را که برای او اتفاق افتاد درک کردند.• یوسف از سربازان خواهان دریافت پیکر عیسی شد.• پیکر او در میان پارچه کتان پیچیده شد.• او بدن عیسی را در مقبره ای کهنه قرار داد.	<p>بخاطر بسپارید</p>

4B داستان ۳

عیسی زنده می شود - این داستان در باره کشف کردن این موضوع است که عیسی زنده است!

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• خدا پس از سه روز عیسی را دوباره به زندگی بازگرداند.• درست همان طوری که مریم عیسی را که از مرگ قیام کرده بود یافت، ما هم چنین خواهیم شد. <p>آیه کلیدی: رومیان ۱۰: ۹</p> <p>کلام منتخب: یوحنا ۲۰: ۱-۱۸</p>	
<p>در آخرین داستان در باره مرگ عیسی بر روی صلیب آموختیم. توضیح بدهید که برای ما این خبر خوشی است! از طریق مرگ عیسی بر روی صلیب، خدا قادر بود تا راهی آماده کند تا گناهانمان بخشیده شود. برنامه شگفت انگیز خدا تمام شده بود! با این حال دوستان عیسی ناراحت و اندوهگین بودند. آنان آنطوری که ما الان از طریق کتاب مقدس مطالعه و می فهمیم قادر به درک نبودند. ولی آنان مجبور نبودند تا برای مدت طولانی اندوهگین باقی بمانند! این داستان شادترین خاتمه را دارد!</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• برای بچه ها داستان تدفین عیسی و مقبره ای با سنگ بزرگ را یادآوری کنید. اینک اوایل صبح روز یکشنبه بود، روز سوم پس از مرگ عیسی بود. مریم، دوست خوب عیسی، رفت تا مقبره را ببیند. تعجب او را توضیح بدهید از اینکه یافت که سنگ مقبره به کناری غلتیده و مقبره خالی است. مریم دوید تا پطرس و یوحنا را ببیند و به آنان بگوید که چه یافته است. بگوئید که او چه گفت. (یوحنا ۲۰: ۱-۲) آنان چه احساسی در باره این خبر داشتند؟• پطرس و یوحنا در باره این خبر به وجد آمده و با تمام توان دویدند. یوحنا اول رسید و درون مقبره را نگاه کرد ولی وقتی پطرس رسید، مستقیماً به درون مقبره رفت! تمامی چیزی که در آنجا یافت می شد تکه های پارچه کتان بود که بدن عیسی در آن پیچیده شده بود. بعد یوحنا هم قدرم به درون مقبره نهاد. یوحنا ناگهان فهمید که چه اتفاق افتاده است. او می دانست که عیسی زنده است! (یوحنا ۲۰: ۳-۹)• ولی مریم همچنان گیج بود. او پس از اینکه پطرس و یوحنا به خانه برگشتند در باغ ماند. او ایستاده و گریه می کرد آنگاه یکبار دیگر بیشتر در مقبره نگاه کرد. در این زمان مریم یکبار دیگر غافلگیر شد. دو فرشته را شرح بدهید و گفتگوی او را به آنها ربط بدهید. (یوحنا ۲۰: ۱۰-۱۳)• آنگاه مریم به اطراف چرخید. در آنجا مردی در باغ ایستاده بود که او نمی شناخت. گفتگو را به هم ربط بدهید. در آن لحظه آن غریبه نام او را صدا زد. «مریم!» او ناگهان صدا را شناخت. این سرور او بود، عیسی مسیح! الان مریم چه احساسی داشت؟ مریم از شادی در پوست نمی گنجید! او مسیح را با چشمان خود دیده بود. او واقعاً زنده بود! برای بار دوم مریم عازم شد تا حواریون را پیدا کند. او به آنان در این زمان چه گفت؟ (یوحنا ۲۰: ۱۴-۱۸)• خداوند عیسی را از مرگ قیام داده بود. او امروز زنده است. کتاب مقدس می گوید که او برای همیشه زنده است! او می خواهد تا زندگی ما را از خوشی پر سازد درست مانند مریم که او را در کنار مقبره دیده بود. از بچه ها بخواهید تا عیسی را به عنوان یک دوست قبول کنند و تمامی چیزهایی را که او می خواهد ارزانی کند - آموزش، قدرت و شادی. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نمایش بدهید: عیسی از مرگ قیام می کند.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی رومیان ۱۰: ۹ را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح بدهید. توضیح بدهید که «اقرار و اعتراف» یعنی بگذاریم تا دیگران بدانند که ما ایمان داریم که عیسی خداوند است. این آیه به ما نشان می دهد که ما لازم است باور کنیم که خدا، عیسی را از مرگ قیام داد. او که برای مجازات گناهان ما مرده بود.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را به عنوان مرور داستان از بچه ها پرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• چه کسی اول به مقبره رفت؟• مریم در باره سنگ مقبره متوجه چه چیزی شد؟• او رفت تا چه چیزی بگوید؟• چه کسی اول وارد مقبره شد؟• یوحنا وقتی که متوجه شد که هیچ کسی در قبر نیست چه کرد؟• مریم وقتی در مقبره تنها بود چه دید؟• فرشته از مریم چه پرسید؟• چه کسی در باغ با مریم بود؟• او چگونه دانست که آن فرد عیسی است؟• چه کسی عیسی را به زندگی بازگرداند؟	<p>بخطر بسپارید</p>

4B داستان ۴

رفت عیسی و بازگشت او - این داستان در باره بازگشت عیسی می باشد.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی مسیح به آسمان رفت و همچنان در آنجاست.• ما باید برای بازگشت او آماده باشیم. <p>آیه کلیدی: اعمال رسولان ۱: ۱۱ کلام منتخب: لوقا ۲۴: ۵۰-۵۳ و اعمال رسولان ۱: ۴-۱۲</p>	
<p>در باره خداحافظی صحبت کنید با اجرای یک نمایش - مثلاً خویشاوندی پیش شما بوده و مجبور است که به خانه بر گردد یا فردی در کلاس شما در مدرسه آنجا را ترک می کند. یا یک داستان واقعی از تجربه خود بگوئید. شاید فرد قول می دهد که دوباره بیاید یا در تماس باقی بماند. یک قول جدایی را آسان تر می کند!</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• حواریون عیسی بعد از اینکه او قیام کرد مدت زمان کوتاهی شگفت انگیزی با او داشتند. حالا آنان فهمیده بودند که چرا او باید می مرد. در حدود شش هفته بعد او یازده شاگرد خود را به کوهی به نام زیتون برد. او توضیح داد که زمان آن فرا رسیده تا به آسمان بازگردد. آنان تنها رها نخواهند شد چرا که مدد کننده ای به نام روح القدس نزد آنان خواهد آمد. ناگهان هنگامی که عیسی با آنان صحبت می کرد، او از زمین بلند کرده شد. تصور کنید که آنان چگونه به آسمانخیره شدند و درست بعد از مدتی عیسی توسط ابر از دید آنان پنهان شد. شما می توانید به واقعه ای اشاره کنید که عیسی به آسمان صعود کرد. (سطح ۲) بیابید که آنان چه احساسی داشتند - گیج شده بودند؟ متحیر بودند؟ غمگین بودند؟ (اعمال رسولان ۱: ۸-۹)• در آن لحظه دو فرشته ظاهر شده و از حواریون پرسیدند که چرا آنان ایستاده و به آسمان نگاه می کنند. بهد فرشتگان به آنان گفتند که عیسی درست همانگونه که رفت یاز خواهد گشت. (اعمال رسولان ۱: ۱۰ و ۱۱)• حواریون می دانستند که قرار نبود بر روی تپه بمانند بلکه در عوض باید به اورشلیم بروند تا مدد کننده ای را که عیسی وعده داده بود بیابند. آنان غمگین نبودند بلکه از شادی لبریز بودند! (لوقا ۲۴: ۵۲) این مطلب را به مبحث معرفی و مقدمه در باره مردم که شما را ترک می کنند مرتبط نمائید. توضیح بدهید که آنان باور داشتند که عیسی قول خود را نگاه خواهد داشت و ما هم لازم است باور کنیم که عیسی به ما هم قول داده است!• عیسی مسیح همچنان امروز در آسمان است ولی آنانی که او را دوست دارند منتظر بازگشت او هستند. ما می دانیم که این واقعه چه زمانی اتفاق می افتد ولی می دانیم که چنین خواهد شد - او به قول خود عمل خواهد نمود. از بچه ها بخواهید که برای بازگشت او آماده باشند و اطمینان حاصل کنید که آنان می دانند که چگونه باید آماده باشند - با اعتماد به عیسی مسیح تا گناهانشان را ببخشند. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید. نمایش دهید: عیسی به آسمان صعود می کند.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی اعمال رسولان ۱: ۱۱ را در جایی که ضرورت دارد تعلیم داده و توضیح بدهید. این آیه بلند است - آیه را به چند بخش تقسیم کنید و زمینه و محتوا و مفهوم آیه را برای بچه ها توضیح بدهید - بعد از آنان بپرسید که چه کسی آنرا گفت، این قسمت به چه کسی گفته شد، کی و کجا گفته شد.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را به عنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• چند نفر از حواریون در کوه زیتون به همراه عیسی بودند؟• عیسی به حواریون گفت که به کجا می رود؟• او به آنان وعده داد که چه چیزی دریافت می کنند؟• چه چیزی او را از دید آنها پنهان ساخت؟• فرشته چه پیامی به آنان داد؟• حواریون بعداً به کجا رفتند؟• عیسی کی بازخواهد گشت؟• او برای چه کسانی بازخواهد گشت؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

5B داستان ۱

سامری نیکو - این داستان در باره دوست داشتن همسایه است.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی مسیح از ما می خواهد تا با همه مهربان باشیم.• عیسی مانند سامری نیکو است. او می خواهد تا منجی، دوست و مدد کننده ما باشد. <p>آیه کلیدی: لوقا ۱۰: ۲۷</p> <p>کلام منتخب: لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷</p>	
<p>از بچه ها بخواهید تا به شما بگویند که داستان مورد علاقه آنان چیست (اگر زمان اجازه داد آنان می توانند تصویری از آن را نقاشی کنند).</p> <p>توضیح بدهید که عیسی داستان های زیادی گفت تا به مردم کمک کند تا خدا را درک کنند. بنابراین داستان های او معانی خاصی داشتند. ما تعدادی از این داستان ها را خواهیم شنید. این داستان ها تمثیل یا حکایت پند آموز نامیده می شوند. از بچه ها بخواهید در باره یک سفر طولانی که رفته بودند حرف بزنند. آنان به کجا رفته بودند؟ چگونه به مسافرت رفتند؟ آیا سفر طبق برنامه پیش رفت؟</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• عیسی شروع به گفتن یک داستان کرد تا نشان بدهد که همسایه واقعی چه کسی بود. مردی از اورشلیم راهی اریحا شد. در راه راهزنان به او حمله کرده از او سرقه نموده و او را رها کردند تا بمیرد. (لوقا ۱۰: ۲۹-۳۰) سفر این مرد سرانجام خوبی نداشت! نقشه ای از زمان عهد قدیم آماده کنید و به بچه ها مسیر اورشلیم و اریحا را نشان بدهید.• سه مرد در امتداد همان مسیر مسافرت می کردند. اولین مرد یک کاهن بود. او فقط نگاه کرد و از کنار او در جهت دیگر راه گذشت. مرد دوم یک لایوی بود (مردی که در معبد کمک می کرد). او به مرد زخمی نگاه کرد ولی هیچ کمکی نکرد. (لوقا ۱۰: ۳۱-۳۲).• سومین مرد سامری بود. (یهودیان و سامریان با هم دوست نبودند) او پیش مرد مجروح رفت و به او کمک کرد و او را با چهارپای خود به مسافرخانه ای برد. مرد سامری تمام شب را در آنجا ماند و روز بعد به مهمان خانه دار دو سکه داد تا از مرد مجروح مراقبت کند. (لوقا ۱۰: ۳۳-۳۵)• وقتی عیسی داستان خود را تمام کرد پرسید، «کدام یک از این سه نفر همسایه خوبی بود؟». مردی گفت آن کس که به او محبت کرد. عیسی به او گفت برو و همان کار را انجام بده. (لوقا ۱۰: ۳۶-۳۷)• بحث کنید - آیا می توانید به طریق هایی فکر کنید که بتوانیم با افرادی که ملاقات می کنیم مهربان باشیم؟ آیا مهربان بودن مشکل است؟ به بچه ها یادآوری کنید که عیسی تعلیم می دهد که ما باید با هر کسی مهربان باشیم که با ما مهربان است. بحث کنید - آیا فکر می کنید که عیسی با ما مانند مرد سامری رفتار کرد؟ (او می خواهد تا نجات دهنده، مدد کننده و دوست ما باشد). <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نمایش بدهید: حکایت پندآموز سامری.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی (لوقا ۱۰: ۲۷) را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح بدهید.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را به عنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• داستان هایی را که عیسی می گفت چه نام دارند؟• آن مرد به کجا سفر می کرد؟• برای او چه اتفاقی افتاد؟• چند نفر مرد از کنار او می گذشتند؟• کدام مرد ایستاد و به او کمک کرد؟• او چه کرد؟• او چند سکه به مهمان خانه دار داد؟• عیسی در پایان داستان به آن مرد چه گفت؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

5B داستان ۲

گوسفند گمشده - این داستان در باره این است که عیسی مسیح چقدر مراقب و دلسوز ماست.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• ما مثل گوسفند گمشده هستیم زیرا کاری را انجام داده ایم که خطا بوده است.• عیسی مانند شبان نیکوست و می خواهد تا ما را پیدا کند. <p>آیه کلیدی: یوحنا ۱۰: ۱۱ کلام منتخب: لوقا ۱۵: ۷-۱</p>	
<p>بحث کنید - آیا تا بحال گم شده اید؟ چه اتفاقی افتاد؟ چه حسی داشتید؟ چه کسی شما را پیدا کرد؟ وقتی کسی شما را پیدا کرد چه حسی داشتید؟</p> <p>به بچه ها بگوئید که داستان امروز درباره شبانی است که گوسفند خود را گم کرده بود. از آنان بپرسید که فکر می کنند که یک شبان برای مراقبت از گوسفندان چه می کند. (علوفه و آب می دهد، محافظت می کند، مراقبت می کند و غیره) به بچه ها توضیح بدهید که گوسفندان اغلب به این طرف و آن طرف می روند و احتمال گم شدن آنان زیاد است.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• روزی یک مالیات بگیر و گناهکار آمدند تا به عیسی گوش کنند. بعضی از مردم شروع به غر و شکایت کردند چون عیسی گناهکاران را خوش آمد می گفت. او از شکایت آنان خرسند نبود و شروع به نقل کردن داستانی نمود. (لوقا ۱۵: ۳-۱) به بچه ها توضیح بدهید که عیسی می خواست تا همه پیش او بیایند. بدون در نظر گرفتن اینکه چه کسی هستند و چه کار خطائی کرده اند.• او داستانی در باره شبانی گفت که ۱۰۰ گوسفند داشت. یک روز یکی از آنان گم شد. شبان تمامی گوسفندان دیگر را رها کرد و رفت تا به دنبال گوسفند گمشده بگردد. او خوشحال نبود تا اینکه آن گوسفند را پیدا کرد. (لوقا ۱۵: ۴) به بچه ها بگوئید که کتاب مقدس می گوید که ما مانند گوسفندی هستیم که گم شده است. عیسی مسیح شبان نیکوست و می خواهد تا ما را پیدا کرده و از ما مراقبت کند. از بچه ها بخواهید تا شیوه هایی را تشخیص بدهند که نشان دهد که عیسی مراقب و دلسوز ماست. شما می توانید آنها را بنویسید و بچه ها را تشویق کنید تا بخاطر مراقبت و دلسوزی او شکرگزار باشند. (این واقعیت را برجسته کنید که بزرگترین شیوه ای که او دلسوزی خود را به ما نشان داد این بود که زندگی خود را برای ما فدا کرد).• وقتی که سرانجام او گوسفند را پیدا کرد خیلی خوشحال شد. او گوسفند را بلند کرد بر روی دوش خود گذاشت و او را تا خانه جمل کرد. وقتی که به خانه رسید دوستان و همسایه های خود را صدا کرد تا به آنان بگوید که گوسفند گمشده خود را پیدا کرده است. (لوقا ۱۵: ۵-۶)• به بچه ها بگوئید که درست مانند مردی که وقتی گوسفند خود را پیدا کرد خیلی خوشحال شد، در آسمان خوشی واقعی خواهد بود وقتی که یکی از ما برای خطاهای خود متاسف شده و به عیسی اعتماد کنیم. می توانید داستان را به یک نمایش ساده در باره گم شدن یک گوسفند تقویت کنید، شبان به دنبال گوسفند خود می گردد و بعد با دوستان خود جشن می گیرد. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید. نمایش بدهید: حکایت پند آموز گوسفند گمشده.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی یوحنا ۱۰: ۱۱ را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح بدهید.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را به عنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• چرا بعضی از مردم خوشحال نبودند؟• شبان چند گوسفند داشت؟• چند گوسفند گم شده بود؟• شبان چکار کرد؟• او چگونه گوسفند را به خانه برد؟• چه کسی مانند گوسفند است؟• چه کسی مانند شبان است؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

5B داستان ۳

پسر گمشده - این داستان در باره متاسف بودن از کار اشتباه است.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• خدا از ما می خواهد تا بگوئیم که برای کارهای اشتباهی که کرده ایم متاسفیم.• خدا همیشه ما را خواهد بخشید وقتی که به او بگوئیم متاسفیم. <p>آیه کلیدی: لوقا ۱۵: ۲۴</p> <p>کلام منتخب: لوقا ۱۵: ۱۱-۲۴</p>	
<p>به بچه ها داستان کوتاهی بگوئید که ایده بخشش را مجسم کند. برای مثال: یک روز دانیال و هادی با هم بازی می کردند. دانیال با تویی شروع به بازی کرد که هادی دوست داشت بازی کند. هادی ناراحت شد. او توپ را از دانیال قاپید و او را هل داد. دانیال شروع به گریه کرد.</p> <p>بحث کنید - چرا دانیال گریه می کند؟ فکر می کنید که هادی چکار خواهد کرد؟ آیا فکر می کنید که دانیال او را خواهد بخشید؟ به بچه ها بگوئید که داستان امروز از کتاب مقدس در باره بخشیدن است.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• عیسی داستان دیگری گفت. مردی بود که دو پسر داشت. پسر جوان تر از پدرش پولی را خواست که روزی متعلق به او خواهد شد. پدرش به او پول داد. احساس پدر و پسر را مورد بحث قرار دهید. (لوقا ۱۵: ۱-۱۲)• طولی نگشید که پس لوازم خود را جمع کرد و به یک مسافرت طولانی رفت. در حالی که از خانه دور بود تمام پول خود را در راه های بد هدر داد. بعد قحطی و خشکسالی روی داد. پسر جوان نه پولی داشت و نه کسی داشت تا برای کمک گرفتن نزد او برود. او کاری پیدا کرد که به خوک ها غذا بدهد. گاهی اوقات او گرسنه می شد و می خواست تا غذای حیوانات را بخورد. (لوقا ۱۵: ۱۳-۱۶) بحث کنید - فکر می کنید که پسر چه احساسی پیدا کرد وقتی که فهمید آه در بساط ندارد؟ فکر می کنید که او چکار کرد؟• یک روز او به خانه فکر کرد. او فهمید که حتی خدمتکاران در خانه غذایی برای خوردن دارند. او تصمیم گرفت که به خانه و نزد پدرش رفته و از او طلب بخشش کند و چنانچه ممکن باشد او را به عنوان یکی از خدمتکاران خود بپذیرد. (لوقا ۱۵: ۱۷-۱۹) بحث کنید - آیا فکر می کنید که پسر لیاقت داشت تا بخشیده شود؟ آیا فکر می کنید که پدرش او را خواهد بخشید؟• او رهسپار خانه شد. پدرش او را از دور دید که دارد می آید. پدرش به طرف او دوید و او را بوسید. پسرش شروع به التماس و زاری کرد و از او طلب بخشش کرد ولی پدرش حرف او را قطع کرد. او خدمتکاران را صدا زد تا برای او بهترین جامه را بیاورند، یک انگشتر و کفش برای او و یک مهمانی بزرگ برای او ترتیب داد تا آمدن پسرش به خانه را جشن بگیرد. (لوقا ۱۵: ۲۰-۲۴)• بحث کنید - فکر می کنید که پسرش چه احساسی کرد وقتی که به خانه بازگشت؟ به بچه ها توضیح بدهید که ما مانند پسر هستیم زیرا کارهای اشتباهی انجام داده ایم. خدا مانند پدر است. او از ما می خواهد تا نزد او بیائیم و به او بگوئیم که متاسفیم. بحث کنید - آیا تا الان سعی کرده اید که به کسی بگوئید متاسف هستم ولی نخواستن تا به حرف شما گوش داده و شما را ببخشند؟ به بچه ها بگوئید که خدا همیشه به حرف ما گوش می دهد و ما را می بخشد، وقتی که تاسف خود را نشان داده و از او طلب بخشش کنیم. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نمایش بدهید: پسر اسراف کار.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی لوقا ۱۵: ۲۴ را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح بدهید. توضیح بدهید که پدر اصلاً نمی دانست که چه اتفاقی برای پسرش افتاده است - انگار که فکر می کرد او مرده است. ولی الان او برگشته بود، او سالم و واقعاً زنده بود!</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را بعنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• آن مرد چند پسر داشت؟• پسر جوان تر از پدرش چه خواست؟• آن پسر با پولش چه کرد؟• او در آخر چه شغلی داشت؟• بعداً او چه تصمیمی گرفت؟• وقتی که پدرش دید که او برگشته چکار کرد؟• پدر به پسرش چه داد؟• آن پدر در داستان مثل کیست؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

5B داستان ۴

برزگر - این داستان در باره این است که ما با کلام خدا چه می کنیم.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• کتاب مقدس کلام خداست.• خدا از ما می خواهد تا مانند خاک خوب باشیم و آنچه را که او در کتاب مقدس به ما می گوید باور کنیم. <p>آیه کلیدی: مرقس ۴: ۲۰ کلام منتخب: مرقس ۴: ۱-۲۰</p>	
<p>بحث کنید - آیا تا کنون بذری کاشته اید؟ چطوری رشد کرد؟ گیاه برای رشد به چه چیزی نیاز دارد؟ آیا آن گیاه خوب رشد کرد یا اینکه پژمرد؟ یا توسط یک گروه کوچک بذرهاى مختلف را نشان دهید. به بچه توضیح بدهید که این داستان در باره زارعی هست که می خواست بذرهایی بکارد تا از آن ها محصول بگیرد.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• جمعیت انبوهی از مردم آمده بودند تا به حرف های مسیح گوش کنند. جمعیت چنان زیاد بود که عیسی مجبور شد تا بر قایقی بنشیند و از روی دریاچه برای مردمی که در کنار ساحل جمع شده بودند صحبت کند. او داستان دیگری را برای آنان نقل کرد. (مرقس ۴: ۱-۲) بحث کنید - فکر می کنید که چرا همه می خواستند تا حکایت های عیسی را بشنوند؟ آیا فکر می کنید که اگر شما هم در آن زمان زندگی می کردید دوست داشتید که به داستان های او گوش کنید؟• برزگری بود که بذرهاى را بر روی زمین پاشید. بذرها به چهار قسمت از زمین افتاد. بعضی از آنها در راه افتادند که پرندگان آمده و آنها را برداشتند و هیچ چیزی نروئید. برخی دیگر بر روی سنگلاخ افتاد. آن ها نتوانستند خوب ریشه بدوانند و زود پژمردند. برخی دیگر نیز در میان بوته های خار افتادند و خفه شدند. و برخی دیگر بر روی خاک خوب افتادند. این ها محصول خوبی دادند. (مرقس ۴: ۳-۹) به بچه ها بگوئید که بذرها در این داستان مانند کلام خدا هستند. بحث کنید - فکر می کنید که کلام خدا چیست؟• به بچه ها بگوئید که بذرها در این داستان معرف کلام خدا هستند. کلام خدا در کتاب مقدس است. توضیح بدهید که اگر بخواهیم به کلام خدا گوش کنیم باید کتاب مقدس را بخوانیم.• عیسی حکایت پند آموز خود را توضیح داد. وقتی که بذر ها در مسیر راه افتاده و پرندگان آنها را خوردند، مانند مردمی است که کلام خدا را شنیدند ولی شیطان آن ها را ربود. وقتی که بذر در زمین سنگلاخ افتاد مثل این است که مردم کلام خدا را شنیده و می گویند که می خواهند تا از عیسی پیروی کنند ولی به محض اینکه در سختی افتادند تصمیم خود را عوض می کنند. وقتی که بذر ها توسط خارها خفه شدند مثل این است که مردم حرف خدا را شنیدند ولی بیشتر به پول و دارائی خود بیش از آنچه که باید برای عیسی مسیح انجام دهند می اندیشند. وقتی که بذر در زمین خوب افتاد مانند این است که مردم کلام خدا را شنیدند، آن را قبول کردند و در آن رشد کرده و مسیحیان توانمندی شدند. (مرقس ۴: ۱۳-۲۰) توضیح بدهید که خدا از ما می خواهد تا مانند خاک و زمین خوب باشیم و آنچه را که او در کلام خود در کتاب مقدس گفته باور کنیم. بحث کنید - فکر می کنید که چطور می توانیم مانند زمین خوب باشیم؟• بحث کنید - کدامیک از تمثیل هایی که فرا گرفتیم مورد علاقه شما بودند؟ چرا آترا دوست دارید؟ مهم ترین درسی که از آن فرا گرفتید چه بود؟ <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید.</p> <p>نمایش بدهید: تمثیل برزگر. می توانید بذرهایی را نشان بدهید مثل حبوبات یا گندم. یا خوشه های گندم که آماده درو هستند. این می تواند اندازه محصول را که در آیه کلیدی اشاره شده است نشان دهد.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی مرقس ۴: ۲۰ را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح بدهید. می توانید فعالیت هایی انجام بدهید تا بچه ها هر عبارت را بخاطر بسپارند مثل بذر افشاندن = دست خود را مانند اینکه دارید بذر می افشانید حرکت بدهید، شنیدن = دست خود را روی گوش خود قرار بدهید، قبول کردن = دست خود را روی قلب خود بگذارید، محصول دهی = دستان خود را بطرف بالا بپريد انگار که گیاه رشد می کند. عددها می توانند بر روی هوا نوشته شوند.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را به عنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• عیسی در کجا به مردم تعلیم می داد؟• زارع چکار می کرد؟• اولین زمین مثل چه بود؟• دومین زمین چگونه بود؟• سومین زمین چگونه بود؟• چهارمین زمین چگونه بود؟• بهترین زمین برای رشد محصول کدام بود؟• بذر مثل چیست؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

6B داستان ۱

جوانی که خواب و رویا می بیند - این داستان در باره خواب عجیب یوسف می باشد.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• یوسف خوب عجیبی در باره آینده دید؟• خدا برنامه ای برای زندگی یوسف داشت و برای زندگی شما هم برنامه دارد. <p>آیه کلیدی: پیدایش ۳۷: ۸ کلام منتخب: پیدایش ۳۷: ۱-۱۷</p>	
<p>یوسف یازده برادر داشت. از بچه ها بخواهید تا تعداد برادران و خواهران خود را بگویید. بحث کنید که بزرگ شدن در خانواده ای به این زیادی چطور خواهد بود.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• یعقوب پدر یوسف بود و در سرزمین کنعان می زیست. یوسف ۱۷ ساله بود. او به برادرانش کمک می کرد تا مراقب گوسفندان پدرش باشند. روزی او دید که آنها کار اشتباهی می کنند. او در باره آن به پدرش گفت. (پیدایش ۳۷: ۱-۲)• یعقوب یوسف را بیش از پسران دیگرش دوست داشت بخاطر اینکه او پسر دوران پیری اش بود. یعقوب برای یوسف جامه زیبا و رنگارنگی درست کرد. وقتی که برادران یوسف آنرا دیدند خیلی حسادت کردند. آنان از او نفرت پیدا کردند! (پیدایش ۳۷: ۳-۴) در باره کلمه حسادت با بچه ها گفتگو کنید. حسود بودن به چه معنا است؟ آیا تا کنون حسادت کرده اید؟ چرا فکر می کنید که برادران نسبت به یوسف حسادت می کردند؟• یوسف خوابی دید. او خواب دید که برادرانش در مزرعه کار می کردند و بافه ها را به هم می بستند. ناگاه بافه یوسف برپا ایستاد و بافه های برادرانش آمده و به بافه او تعظیم کردند.• به بچه ها توضیح بدهید که این خواب معنی مخصوصی برای یوسف داشت در باره اینکه چه اتفاقی برای او در آینده می افتد. از بچه ها معنی خواب را پرسید. برادرانش از او بخاطر این خواب بیشتر نفرت پیدا کردند. (پیدایش ۳۷: ۵-۸)• یوسف خواب دیگری دید با همان معنی. این بار او خورشید، ماه و یازده ستاره را دید که به او سر تعظیم فرود آوردند. حال پدرش هم از او عصبانی شد. او گفت: «آیا من و مادرت و برادرت نزد تو آمده و سر تعظیم فرود می آوریم؟» (پیدایش ۳۷: ۹-۱۰)• برادران یوسف حتی بیشتر حسادت ورزیدند ولی پدرش در باره این خوابها تفکر می کرد. (پیدایش ۳۷: ۱۱). از بچه ها پرسید که در آینده چه اتفاقی برای یوسف خواهد افتاد. (خواب ها به این معنی بودند که روزی او بر برادران خود فرمانروائی خواهد داشت). به آنان یادآوری کنید که خدا برای زندگی یوسف درست از همان ابتدا برنامه داشت و خدا برای زندگی ما نیز برنامه دارد. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید. نمایش بدهید: یوسف و خواب هایش.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی پیدایش ۳۷: ۸ را تعلیم داده و توضیح دهید. توضیح بدهید که برادران یوسف معنی خواب های او را فهمیدند. آنان به او حسادت می کردند و از او نفرت داشتند.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را به عنوان مرور داستان از بچه ها پرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• یوسف در این داستان چند ساله بود؟• یعقوب چه هدیه ای به یوسف داد؟• چرا برادران یوسف به او حسادت می ورزیدند؟• حسادت یعنی چه؟• آیا فکر می کنید که حسادت کردن کار خوبی است؟• خواب اول و دوم یوسف چه بود؟• معنی خواب یوسف چه بود؟• چه کسی از همان ابتدا برای زندگی یوسف برنامه ریزی کرده بود؟• بعنوان یک جایگزین، بچه ها می توانند جامه یوسف را درست کنند. جامه می تواند یک کاغذ ساده باشد که به دوازده قسمت بریده شود. هر یک از بچه ها می تواند آن تکه کاغذ ها را رنگ آمیزی و بر روی کاغذ دیگری که بعنوان جامه است چسبانده شود.	<p>بخاطر بسپارید</p>

6B داستان ۲

برادر منفور - این داستان در باره یوسف است که توسط برادرانش فروخته می شود.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• یوسف توسط برادرانش بعنوان برده فروخته می شود.• ما نمی توانیم گناه خود را از خدا مخفی کنیم. <p>آیه کلیدی: اعداد ۳۲: ۲۳ کلام منتخب: پیدایش ۳۷: ۱۲-۳۶</p>	
<p>از بچه ها بپرسید که آیا کارها و خواسته های والدین خود را مانند یوسف انجام می دهند. داستان قبل را به بچه ها یادآوری کنید. چرا برادران یوسف از او نفرت داشتند؟ در داستان امروز، پدر یوسف از او خواست تا بررسی کند که آیا برادرانش از گوسفندان به خوبی مراقبت می کنند. (پیدایش ۳۷: ۱۲-۱۷)</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• برادران یوسف دیدند که او دارد می آید. آنان انقدر از او نفرت داشتند که تصمیم گرفتند تا او را بکشند. آنوقت عاقبت خواب او چه می شد؟ آنان تصمیم گرفته بودند تا به دروغ به پدر خود بگویند که یک حیوان وحشی به او حمله کرده است. (پیدایش ۳۷: ۱۸-۲۰). اشاره کنید که برادرانش فکر کردند که می توانند گناهشان را مخفی کنند و هیچ کسی هرگز نخواهد توانست تا راز آنان را بر ملا سازد. خدا تمام خطاهای ما را می داند و می بیند.• روبین، برادر بزرگتر یوسف، آنان را از این کار بازداشت. در عوض او به آنان گفت تا او را به چاهی بیندازند. او برنامه داشت تا بعداً بیاید و او را نجات بدهد. (پیدایش ۳۷: ۲۱ و ۲۲)• وقتی یوسف رسید آنان جامه رنگارنگ او را در آورده و او را به چاه خالی انداختند. (پیدایش ۳۷: ۲۳-۲۴)• طولی نکشید که مردانی را دیدند که از آن حوالی عبور می کردند. آنان به مصر می رفتند تا ادویه جات بفروشند. یهودا، یکی از برادران، تصمیم گرفت تا نفعی عاید خود کند. در عوض کشتن یوسف، او پیشنهاد کرد تا یوسف را به آن مردان بفروشند. آنان یوسف را به ۲۰ سکه نقره فروختند. یوسف به مصر برده شد تا به عنوان یک برده کار کند. (پیدایش ۳۷: ۲۵-۲۸) برده یعنی چه؟ فکر می کنید که یوسف الان چه حس و حالی داشت؟• برادران تلاش کردند تا کارهایی را که کرده بودند مخفی کنند. آنان جامه رنگین یوسف را گرفته و خون بز بر روی آن ریختند. آن را نزد پدرشان برده و پرسیدند که آیا این متعلق به یوسف است. یعقوب جامه را شناخت. او فکر کرد که یک حیوان درنده به یوسف حمله کرد و او را کشته است. یوسف خیلی ناراحت شد و تسلی نمی یافت. (پیدایش ۳۷: ۲۹-۳۵)• در این اثنا، یوسف زنده و در مصر بود. او به مردی به نام فوطیفار فروخته شد که فرمانده سپاه پادشاه بود. (پیدایش ۳۷: ۳۶)• به بچه ها یادآوری کنید که حتی اگر چه همه چیز برای یوسف بد به نظر می آمد، ولی خدا همچنان همه چیز را تحت کنترل خود داشت. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید. نمایش بدهید: یوسف به چاهی انداخته می شود.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی اعداد ۳۲: ۲۳ در در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح بدهید. اطمینان حاصل کنید که آنان معنی «گناه» را می فهمند و شایسته مجازات هستند. توضیح بدهید که خدا در باره همه گناهان ما می داند و گناهان مستوجب تنبیه و مجازات هستند. به بچه ها یادآوری کنید که عیسی مسیح بر روی صلیب مرد تا مجازات گناهان ما را بردارد.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را به عنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• در ابتدای داستان یعقوب از یوسف خواست تا چه کاری انجام دهد؟• برادران یوسف برنامه ریختند تا چه کنند؟• کدام برادر گفت تا در عوض کشتن یوسف او را در چاه بیندازند؟• یوسف به چند سکه نقره فروخته شد؟• برادران یوسف چگونه گناه خود را مخفی کردند؟• یعقوب فمر کرد که چه اتفاقی برای یوسف افتاده است؟• آیا خدا می دانست که چه اتفاقی برای یوسف افتاده است؟• فکر می کنید که خدا بعداً چه برنامه ای برای یوسف داشت؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

6B داستان ۳

زندانی وفادار - این داستان در باره به زندان افتادن یوسف است.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none">• یوسف فرد صادق و سخت کوشی بود، حتی در زندان.• خدا با یوسف بود. او هرگز ما را رها نخواهد کرد و ما را نا امید نخواهد ساخت. <p>آیه کلیدی: پیدایش ۳۹: ۲۱ کلام منتخب: پیدایش ۳۹: ۶-۱ و ۲۳-۱۹</p>	
<p>از بچه ها بپرسید که آیا تا کنون از خانواده دور بوده اند. چه احساسی به آنها دست داده بود؟ بطور خلاصه به بچه ها یادآوری کنید که یوسف چطور از خانواده اش دور شد و چطور برای بردگی به فوطیفار فروخته شد. بیابید که یوسف چطور در این وضعیت واکنش نشان می داد، رسیدن به کشوری با فرهنگ و رسوم مختلف و فروخته شدن به عنوان برده.</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none">• یوسف به مصر برده شده و به عنوان برده به فردی به نام فوطیفار فروخته شد. فوطیفار فرمانده نظامیان پادشاه بود. فوطیفار دید که یوسف درستکار و سخت کوش است. او می دانست که خدا به یوسف است او را عهده دار خانه اش نمود. (پیدایش ۳۹: ۱-۴)• از زمانی که فوطیفار او را عهده دار خانه خود نمود، خداوند خانه او را برکت داد. او مجبور نبود که نگران هیچ چیزی باشد مگر غذایی که می خورد. (پیدایش ۳۹: ۵-۶)• به بچه ها یادآوری کنید که خدا به همراه یوسف بود و مراقب او بود.• یک روز همسر فوطیفار بخاطر کاری که یوسف نکرده بود از او شکایت کرد. او در باره یوسف به فوطیفار دروغ گفت. فوطیفار حرف همسرش را قبول کرد او از یوسف خیلی عصبانی بود و او را به زندان انداخت حتی اگر چه او مرتکب هیچ خطایی نشده بود. (پیدایش ۳۹: ۱۹-۲۰) آیا خدا یوسف را فراموش کرده بود؟• ولی خدا همچنان به همراه یوسف بود و حتی در زندان از او مراقبت می کرد. یوسف به درستکاری و سخت کوشی ادامه داد. زندانبان یوسف را عهده دار همه زندان کرد. هر کاری را که یوسف در زندان کرد، خدا آنرا توفیق داد. (پیدایش ۳۹: ۲۱-۲۳)• رفتار و خصوصیت های خوبی را که یوسف در این بخش از داستان از خود نشان داد خلاصه کنید. برای یوسف ساده بود که به خدا پشت کند ولی یوسف همچنان خدا را خشنود می ساخت. خدا یوسف را برای مسئولیت هایی در آینده آماده می ساخت. او یوسف را فراموش نکرده بود و هرگز او را نومید نمی کرد. <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید. نمایش دهید: یوسف و همسر فوطیفار.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی پیدایش ۳۹: ۲۱ را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح دهید. به بچه ها توضیح بدهید که گاهی اوقات خدا برنامه ای برای ما دارد که ممکن است شامل زمان های دشواری باشد. به هر حال خدا در آن وضعیت همچنان ما را دوست دارد.</p>	<p>یاد بگیرید</p>
<p>سوالات زیر را به عنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none">• یوسف به کدام کشور برده شد؟• چه کسی یوسف را خرید؟• شغل فوطیفار چه بود؟• چرا فوطیفار یوسف را عهده دار خانه خود کرد؟• چرا یوسف به زندان انداخته شد؟• آیا یوسف شایسته انداخته شدن در زندان بود؟• چه کسی باید یوسف بود و هر کاری را که می کرد توفیق می داد؟• چرا فکر می کنید که خدا اجازه داد تا یوسف به زندان افکنده شود؟	<p>بخاطر بسپارید</p>

6B داستان ۴

رهبر جدید - این داستان در باره یوسف است که حاکم مصر می شود.

<p>می آموزیم که:</p> <ul style="list-style-type: none"> • یوسف قائم مقام حاکم سرزمین مصر شد. • خدا یوسف را برای این شغل مخصوص آماده کرده بود. <p>آیه کلیدی: اول قرتیان ۱۰: ۱۳ کلام منتخب: پیدایش ۴۱: ۱۴-۴۹</p>	
<p>از بچه ها بپرسید که آیا تا به حال بخاطر خواب ترسناک یا گیج کننده ای از خواب پریده اند؟ در این داستان فرعون، پادشاه مصر، دو خواب دید که معنی آن را نمی فهمید. او می خواست بداند که به چه معنایی است! چه کسی می توانست به او کمک کند؟</p>	<p>معرفی کنید</p>
<ul style="list-style-type: none"> • فرعون رویایی دیده بود که خیلی برایش گیج کننده بود. او می خواست بداند که آنها چه معنایی دارند. در این اولین رویا، او دید که هفت گاو فربه به کنار رود نیل آمدند. بعد هفت گاو نحیف بیرون آمدند و هفت گاو فربه را خوردند ولی همچنان نحیف و لاغر باقی مانده بودند! بعد او درباره هفت بافه محصول خوب خواب دید و هفت بافه محصول نازک. هفت محصول نازک تر، هفت محصول خوب را بلعیدند. فرعون از فالگیران و جادوگران خود خواست تا این خواب را تعبیر کنند. (پیدایش ۴۱: ۸-۱) • از بچه ها بپرسید که در باره این خواب ها چه فکر می کنند. خدا باعث شد تا فرعون این خواب ها را ببیند. تنها او می توانست پاسخ را بگوید. • فرعون بدنبال یوسف فرستاد. یوسف از زندان بیرون برده شد و نزد فرعون آورده شد. او به فرعون گفت که خدا به او کمک خواهد مرد تا معنی خواب ها را بفهمد. (پیدایش ۴۱: ۱۴-۲۴) • خدا به یوسف گفت که معنی خواب ها چیست. یوسف هم تعبیر آن را به فرعون گفت. آن هفت گاو فربه یعنی اینکه برای هفت سال محصول فراوان خواهد بود. همه به وفور برای خوردن غذا خواهند داشت. هر چند، هفت گاو لاغر و نحیف یعنی پس از هفت سال محصول خوب، هفت سال قحطی خواهد بود. قحطی چنان بد خواهد بود که همه سال های فراوانی محصول را از یاد خواهند برد. (پیدایش ۴۱: ۲۵-۳۲) • یوسف به فرعون پیشنهاد کرد که او باید مردانی را عهده دار ذخیره غذا برای سال های قحطی کند. این ایده فرعون را خشنود ساخت. او می دانست که خدا با یوسف است و اینکه او مرد خردمندی می باشد. او یوسف را عهده دار تمامی سرزمین مصر کرد. در مصر، تنها فرعون بالاتر از یوسف بود. (پیدایش ۴۱: ۳۳-۴۵) • در طی سال های فراوانی محصول، یوسف به تمامی سرزمین مصر رفت و برای سال های قحطی محصولات را ذخیره کرد. هر شهر دارای انبار غذا شده بود، برای قحطی که در پیش بود. وقتی که قحطی آمد مردم به اندازه کافی غذا برای خوردن داشتند. (پیدایش ۴۱: ۴۶-۴۹) • به بچه ها یادآوری کنید که یوسف در این زمان رفعت یافته بود. گفتگو کنید که این در تمامی مدت برنامه خدا برای یوسف بود. خدا نسبت به یوسف وفادار بود. یعنی اینکه خدا هرگز یوسف را رها نکرده بود و همیشه اهداف خود را در زندگی یوسف دنبال می کرد. او از تمامی سختی ها در زندگی یوسف استفاده کرد تا او را برای نقشی مهم آماده کند. خدا یوسف را آماده ساخته بود تا جان های زیادی را از تلف شدن در دوران قحطی حفظ کند! <p>درس وقت کتاب مقدس را کامل کنید. نمایش بدهید: رویاهای فرعون/یوسف فرمانروای مصر می شود.</p>	<p>تعلیم دهید</p>
<p>آیه کلیدی اول قرتیان ۱۰-۱۳ را در جایی که لازم است تعلیم داده و توضیح دهید. «خدا وفادار است». معنی «وفادار» را با بچه ها مورد بحث قرار دهید.</p>	<p>یاد بگیرد</p>
<p>سوالات زیر را به عنوان مرور داستان از بچه ها بپرسید.</p> <ul style="list-style-type: none"> • چرا فرعون بدنبال یوسف فرستاد؟ • چه اتفاقی برای گاوهای اولین رویا افتاد؟ • چه کسی به یوسف کمک کرد تا معنی رویا ها را توضیح بدهد؟ • رویاها به چه معنی بودند؟ • کار ویژه یوسف در طی سال های فراوانی محصول چه بود؟ • خدا چگونه نسبت به یوسف وفادار بود؟ 	<p>بخاطر بسپارید</p>

دستورالعمل برای معلمان برای ارزیابی و نمره دهی

دروس سطح ۱

- یک صفحه (یا دو در کتابچه) برای هر هفته که عمدتاً شامل رنگ آمیزی و پر کردن جاهای خالی لغات می شود.
- ده نمره برای هر هفته با حد اکثر ۴۰ برای ماه اختصاص داده شده است.
- از بچه هایی که دروس سطح ۱ را می گذرانند انتظار می رود تا بتوانند خیلی خوب بخوانند و از خانواده / بزرگترها انتظار می رود تا به آنها کمک کنند.
- ۲ نمره برای هر جواب اختصاص داده شده و مابقی برای رنگ آمیزی = ۱۰ نمره برای هر درس.

دروس سطح ۲:

- دو صفحه برای هر هفته. (۴ در کتابچه)
- داستان شامل درس می شود. دانش آموزان باید لغات مختلف را از درس بیابند، رنگ آمیزی کرده، آیه کلیدی را کامل کنند و غیره.
- بیست نمره برای هر هفته با حد اکثر ۸۰ نمره برای هر ماه، وقتی که دروس بطور کامل صحیح باشند.

ارزشیابی وقت کتاب مقدس

تذکر و یادآوری برای ارزشیابی

از معلمان ابتدا خواسته می شود تا:

- هر درس را بررسی و پاسخ های درست و غلط را نمره گذاری کنند.
- نکات ضروری را آنگونه که راهنمایی شده امتیاز بدهید.
- همیشه با خودکار رنگ متفاوت تصحیح کنید و جواب درست را تیک بزنید.
- جواب درست را بنویسید، در جایی که لازم است اشتباهات املایی را تصحیح کنید، گرچه نباید بخاطر غلط املایی نمره کم کنید.
- به پاسخهای ناکامل نمره کمتری تعلق می گیرد.
- نمره ها را برای ماه جمع بزنید و آنرا در پشت صفحه در محلی که تعبیه شده بنویسید.

اگر می توانید تا جایی که ممکن است در نمره دادن سخاوتمند باشید تا دانش آموزان را برای مطالعه کتاب مقدس تشویق کنید. در جایی که ممکن است در هر ماه معلم کلمات تشویق آمیز برای دانش آموز بنویسد و فضایی برای این کار اختصاص داده شده است. می توانید در باره خوب رنگ آمیزی کردن، تمیزی، نمرات اخذ شده، درک دانش آموزان از درس، و غیره نظرات خود را بنویسید.

سعی کنیم تا جایی که ممکن است نظرات گوناگون درج کنیم. سوالات، اظهارات، دیدگاه ها، تشویق ها و غیره، همگی می توانند برای حفظ تنوع استفاده شوند. این کار به تعمق نیاز دارد ولی اهمیت دارد تا علاقه دانش آموز سرزنده باقی بماند. اگر اظهار مشابه یا سوالی در هر ماه تکرار بشود، تاثیر خود را از دست خواهد داد.

سطح ۱

نظرات عمومی و کلی

"اعظم جان - از اینکه این دروس را شروع کردی خیلی خوشحالم و امیدوارم که از آن ها لذت و بهره ببری. رنگ آمیزی تو را دوست دارم. آیا به مدرسه می روی؟ برایم از مدرسه بگو. چشم براهم که خیلی زود از تو باخبر شوم."
"آفرین رضا جان. چه قشنگ رنگ آمیزی کردی! آیا می توانی رنگ آمیزی را در درون خطوط انجام بدهی؟ کمی بخاطر رنگ آمیزی آخرین درس از نمره کم می شود."

نظرات روحانی

"آفرین سارا. وقتی عیسی به یائرس کمک کرد چقدر او خوشحال شد."
"جوابها خیلی خوب بود! داستان مرگ عیسی غمبار است ولی جای خوشحالی است که او دوباره زنده شد."

سطح ۲

نظرات عمومی و کلی

"اصغر جان دوباره جوابهایت خوب بود - مطمئنم که معلمت از تکالیفی که در مدرسه انجام می دهی خیلی راضی است."
"زهره جان می بینم که بزودی جشن تولدت فرا می رسد. آیا تولد مخصوصی می گیری؟ هر طوری که تولد بگیری برایت روز شادی آرزو می کنم."
"واقعاً تلاش کردی. فقط کمی اشتباه داری. فراموش نکن تا هر بار جوابهایت را چک کنی."

نظرات روحانی

"رنگ آمیزی عیسی کوچولو را در آخور دوست دارم. چه خدای خوبی داریم که او را برای ما به این دنیا آورد."
"واقعاً رنگ آمیزی ات را دوست دارم! زکریا مجبور بود بخاطر اینکه به آنچه که خدا به او گفته بود باور نکرده بود بهایش را بپردازد. او دیگر هرگز به کلام خدا شک نخواهد کرد."
"جوابهایت عالی بود. مردی که فیلیپ را در بیابان ملاقات کرد واقعاً با خوشحالی به راه خود رفت. او خبر خوش را در باره عیسی شنیده و به آن ایمان پیدا کرده بود."



© Bible Educational Services 2019

کپی رایت ۲۰۱۵ - حق انحصاری ثبت شده مخصوص (خدمات آموزشی کتاب مقدس) می باشد

www.besweb.com

طی شماره ۱۱۸۶۰۰۴ امور خیریه بریتانیا ثبت گردیده است

Farsi - 06/2020